دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر
فصلنامه‌ی علمی فضای جغرافیایی

سال بیست‌وسوم، شماره‌ی ۸۲
تابستان۱۴۰۲، صفحات۹۷-۶۷

DOI:10.52547/GeoSpa.23.2.67

فرزانه یزدانخواه [۱]
*حسن احمدزاده [۲]
بشیر بیک بابایی [۳]
علی پناهی [٤]

بررسی تأثیر حکمروایی اجتماعات محلی بر پایداری بافت‌های ناکارآمد شهری (مطالعهٔ موردی: محلات چوخورلار، قازان داغی، ملاحسین باغی و شمس‌آباد در شهر تبریز)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲٤ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۸

چکیده

واگذاری نقش‌های مهم به جامعه شهروندی در بافت های ناکارآمد نوعی پدیداری حکمروایی خوب در قالب اجتماعات مردم محور می‌باشد که می‌تواند ظرفیتی برای ایجاد مشارکت، سرمایه اجتماعی و اعتماد و انسجام اجتماعی باشد تا با انعطاف‌پذیری رخ‌داده بتوان بر پایداری شهری در این عرصه‌های سکونتگاهی و تاب‌آوری آن از بعد مخاطرات شهری دست‌یافت. منظور اصلی این پژوهش بررسی تأثیر حکمروایی اجتماعات محلی بر پایداری بافت‌های ناکارآمد شهری است که برای این منظور، چهار محلهٔ ناکارآمد و فرسوده به نام‌های چوخورلار، قازان داغی، ملاحسین باغی و شمس‌آباد شهر تبریز به‌عنوان پایلوت مطالعاتی انتخاب شدند. پژوهش حاضر بر مبنای هدف از نوع کاربردی و ازلحاظ نحوهٔ گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی-همبستگی می‌باشد در این راستا، ابتدا شاخص‌های دو مکتب حکمروایی اجتماعات محلی و پایداری شهری از منابع و ادبیات پیشین استخراج و پس از تبادل‌نظر با

۱- دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
۲- گروه جغرافیا، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول). hahmadzadehgis@gmail.com
۳- گروه جغرافیا، واحد ملکان، دانشگاه آزاد اسلامی، ملکان، ایران.
٤- گروه جغرافیا، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

کارشناسان مربوطه اقدام به طراحی دو پرسشنامه در رابطه با دو مفهوم یادشده گردید و تعداد ۱۲۵ پرسشنامه برای هریک از محلات انتخابی در نظر گرفته شد روایی این پژوهش محتوایی و برای پایایی از آلفای کرونباخ استفاده‌شده است و سپس نتایج به‌دست‌آمده با یکدیگر ادغام و مدل نهایی پژوهش بدست‌آمد. در پژوهش حاضر برای نیل به اهداف مطالعه، از دو نرم‌افزار SPSS (جهت ارائهٔ اطلاعات توصیفی و آزمون نرمال بودن داده‌ها) وSmart PLS (جهت ساختن مدل معادلات ساختاری و سنجش تأثیر متغیرها برهم) استفاده گردید. در این راستا، ضرایب درونی و بیرونی متغیرهای مورداستفاده در کنار سنجش جهت و میزان تأثیر این متغیرها، محاسبه و تحلیل شد و درنهایت خروجی‌های به‌دست‌آمده در راستای فرضیه‌های پژوهش، مطابقت داده شد. در بخش اول تحلیل کیفیت مدل‌های اندازه‌گیری انعکاسی موردبررسی قرار گرفت. در بخش دوم کیفیت مدل ساختاری و درنهایت برازش کلی مدل (GOF)، مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت. نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش، نشان از تأثیرگذاری مثبت، قوی و معنی‌دار متغیر حکمروایی اجتماعات محلی بر پایداری بافت‌های فرسوده است، که لزوم بکارگیری چنین ایده‌ای در برنامه‌ریزی و مدیریت این بافت‌ها را بیش‌ازپیش روشن می‌سازد. بر اساس نتایج تحقیق در گروه متغیرهای حکمروایی اجتماعات محلی، متغیر رهبری و مدیریت با ضریب ۲/۲۵، کمترین ضریب را به خود اختصاص داده است که عدم وجود شفافیت در سازمان‌های شهری در کنار نداشتن تخصص کافی مدیران در برنامه‌ریزی بهینه برای اجتماعات محلی و عدم اتکا به برنامه‌ریزی پایین به بالا را می‌توان از عمده‌ترین کمبودهای مناطق موردبررسی در این پژوهش ذکر کرد. همچنین بیشترین ضریب اختصاص‌یافته به متغیرهای حکمرانی، به مشارکت مردمی با ضریب قابل‌توجه ۳/۵٤ مربوط می‌شود که نشان از تقاضای بالای مردم در مشارکت عمومی برای بالا بردن سطح توسعهٔ مناطق مذبور دارد. باملاحظهٔ برآیند نتایج به‌دست‌آمده از عوامل حکمروایی اجتماعات محلی در محلات ناکارآمد کلان‌شهر تبریز، در همهٔ محلات، علاقه و حس مشارکت جامعهٔ مدنی در ساماندهی بافت محله‌ای بیشترین میانگین را در بین عوامل به خود اختصاص داد که بر این اساس، متغیر جامعهٔ مدنی (مشارکت شهروندان) با میانگین نظری ۲/٦٤، ارزش بالاتری نسبت به متغیرهای مشارکت بخش خصوصی (۲/۳٦)، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی (۲/۵۰) و رهبری و مدیریت (۲/۲٤) را به خود اختصاص داد. همچنین متغیر پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری مربوط به بعد نهادی نیز در ردهٔ دوم قرار گرفت. نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل خروجی پرسشنامه‌های استفاده‌شده در پژوهش، حکایت از وجود مشکلات و نارضایتی‌هایی در محلات موردمطالعه دارد. میانگین نظری کمتر از ۳ برای کل محلات برای حدود ۹۰ درصد از میانگین متغیرها، مؤید ادعای فوق است که میانگین متغیرهای مورداستفاده اعم

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

مفاهیم پایداری، تاب‌آوری، حکمروایی در این اجتماعات، ضعیف است و نشان از عدم رضایت ذهنی شهروندان محلات موردمطالعه را دارد.

کلمات کلیدی: بافت‌های ناکارآمد شهری، حکمروایی اجتماعات شهری، پایدار شهری، معادلات ساختاری.

مقدمه

تحولات سریع شهرنشینی به‌عنوان پدیده غالب قرن حاضر، با تلقی تحولات مبتنی بر عصر اطلاعات و پیدایش جامعه شبکه‌ای، فضای شهرها را در ابعاد و وجوه مختلف دچار تغییرات مهم بسیاری نموده است. این مسئله با افزایش کمی جمعیت شهری نام دیگری را برای عصر کنونی به نام عصر شهری شدن به ارمغان آورده است که نشان می‌دهد اجتماعات جهانی به‌طورکلی تا ۷۰ و در بعضی نقاط تا ۸۰ درصد شهری شده‌اند(Deng et al.,2019: 1). علیرغم این پیشرفت در عرصه شهرنشینی، شاید بتوان گفت شهر گرایی هنوز باکیفیت خاص خود اتفاق نیفتاده است و شکاف گسترده‌ای در اغلب نقاط جهان به‌خصوص در جهان سوم و کشورهای درحال‌توسعه در بین طبقات و لایه‌های کالبدی و اجتماعی و اقتصادی شهر مشاهده می‌شود که پدیده‌های مرموز و پیچیده‌ای را برای برنامه‌ریزی و مدیریت شهرها به وجود آورده است(Safarabadi et al.,2016). امروزه مفهوم عدالت اجتماعی به‌مثابه امری بنیادین در فرآیند برنامه‌ریزی شهری و مدیریت مناطق کلان‌شهری موردتوجه قرارگرفته است و عدالت در مهم‌ترین بخش از کاربری‌های شهری، در راستای نیل به شهر عدالت محور و عدالت فضایی در شهرها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد (Soheilivand and Hatami.2020) . پیچیده‌ترین پدیده‌های رخ‌داده در این زمینه در بعد اجتماعی و اقتصادی با عنوان فقر شهری و در بعد کالبدی با پایداری محلات حاشیه‌نشین، اسکان‌های غیررسمی و محلات ناکارآمد شهری بوده است. مطابق با تحقیقات رخ‌داده در این زمینه بیش از یک‌سوم جمعیت در شهرها دچار و دست‌به‌گریبان با این پدیده‌های ناخواسته شهری هستند که به‌اجبار در فرایند شهرنشینی و عدم تطابق با شهر گرایی عصر حاضر به وقوع پیوسته‌اند و انتظار این فرایند با توجه به مدیریت ناصحیح و سیاست‌های غیرواقع گرایانه تا سال ۲۰۵۰ به دو برابر حجم کنونی افزایش یابد(Benna & Garba.,2016: 6). این مقوله در کشور ما و به‌خصوص از دهه ٦٠ هجری شمسی با قوانین اتخاذشده سرعت بیشتری به خود گرفته است. در کنار افزایش شتابان شهرنشینی و رشد قارچ گونه محلات و بافته‌های ناکارآمد، مهم‌ترین چالش در این زمینه علاوه بر توسعه کالبدی بدون برنامه آن، ضعف و عدم کیفیت شاخص‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در این محلات و عرصه‌های شهری می‌باشد که سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌ها را برای تمرکز تمامی اهداف و دست‌یابی به آن را سخت جلوه می‌دهد (Rafiean et al., 2009). در حقیقت مهم‌ترین چالش‌های بافت های ناکارآمد و عمدتاً غیررسمی در شهرهای کشور ما را می‌توان در نبود استانداردهای کیفی اجتماعی از قبیل کمبود سطح سواد، پایین

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

بودن سطح مشارکت، تزلیل و نزول سطح سرمایه اجتماعی (Tagvaie et al., 2015)افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی؛ کمبود و پایین بودن سطح شاخص‌های اقتصادی در قالب اشتغال کاذب و بیکاری گسترده(Sarvar,2014) ، کمبود شاخص‌های کیفی و کمی استاندارد کالبدی به لحاظ کیفیت بنا، عمر بنا و مصالح مورداستفاده و نبود سرپناه مناسب و باکیفیت (Meshkini and Tardast, 2019)؛ مشکلات دسترسی‌پذیری به لحاظ طراحی ارگانیک و بدون برنامه‌ریزی معابر و گذرگاه‌ها(Babakhani,2009) و چالش‌های زیست‌محیطی به لحاظ تخریب اراضی بستر و چالش‌های بهداشتی موجود در این بافت ها جستجو کرد. (Meshkini et al., 2011).

دراین‌بین، شهرها نیازمند فرایندی جهت درانداختن طرحی نو برای تبدیل کردن تهدیدها و ضعف‌ها به فرصتی برای رشد و شکوفایی و پایداری شهری در آن‌ها هستند. یکی از این فرایندهای نوین، راهبرد توانمندسازی است که در اواخر دهۀ ۱۹۸۰، با تأکید بر توسعۀ انسان‌مدار این به افت‌ها و ارج نهادن به توانمندی‌های او مطرح گردید (Homler & Dreschler,2006: 3). این رویکرد در راستای ارتقای سطح توانمندی، مشارکت‌پذیری ودرگیردساختن اجتماعات فقیر و ساکن در محلات ناکارآمد برای تصمیم گیریو مداخله در امور زندگی خود در راستای دستیابی بهینه به شاخص‌ها و منابع توسعه‌ای می‌باشد(Fathzadeh and zahedzaahedani, 2015) . در حقیقت این رویکرد و اتخاذ آن به ساکنان این فرصت را می‌دهد که محل زندگی خود را با توجه به نیازهایشان بهبود بخشند (Garakhlo and Mire, 2007) . درواقع با ظرفیت‌سازی این رویکرد در قالب ایجاد ساختارهای مدیریت اجتماع‌محور می‌توان به سمت پایداری شهری و مقابله با تهدیدات پیش رو در این بافت ها حرکت کرد. چراکه واگذاری نقش‌های مهم به جامعه شهروندی در این عرصه‌ها نوعی پدیداری حکمروایی خوب در قالب اجتماعات مردم محور می‌باشد که می‌تواند ظرفیتی برای ایجاد مشارکت، سرمایه اجتماعی و اعتماد و انسجام اجتماعی باشد تا با انعطاف‌پذیری رخ‌داده بتوان بر پایداری شهری در این عرصه‌های سکونتگاهی و تاب‌آوری آن از بعد مخاطرات شهری دست‌یافت.

کلان‌شهر تبریز نیز بنابه وضعیت حاکم بر توسعه‌گرایی فیزیکی و ساختاری شهرهای بزرگ کشور، به‌طور گسترده‌ای با پدیده اسکان غیررسمی و نقاط حاشیه‌نشین و ناکارآمد شهری دست‌وپنجه نرم می‌کند، به‌طوری‌که هم‌اکنون در حدود ۵۰۰ هزار نفر در این شهر در نقاط حاشیه‌ای و ناکارآمد شهری زندگی می‌کنند. در این راستا، طرح‌های توانمندسازی در شهر تبریز و اغلب شهرهای بزرگ کشور که با سکونتگاه‌های غیررسمی مواجه هستند، معمولاً با برخورد به بوروکراسی شدید و نامعقول اداری، دچار نوعی انحراف در ماهیت معرفت‌شناختی و روش‌شناختی شد ه اند که آن‌ها را از مسیر اصلی پایداری و توسعه منحرف کرده‌اند. در این راستا، برای غلبه بر چنین مشکلاتی، یکی از بهینه‌ترین روش‌ها، کاربست مفهوم حکمروایی اجتماع‌محور در افزایش پایداری این محلات است. بنابراین هدف پژوهش حاضر، شناسایی روابط علی متغیرهای حکمروایی اجتماعات محلی و پایداری شهری و ایجاد مدلی برای تبیین روابط بین متغیرهای دو مفهوم یادشده است.اسکان غیررسمی به‌عنوان یکی از مشکلات و معضلات کلان‌شهر تبریز به شمار می‌رود که از ۱۳۲۰

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

به بعد در کالبد شهر تبریز نمایان شده است. این کلان‌شهر نیز همچون سایر شهرهای کشورهای درحال‌توسعه که در مرحله فرآیند گذار از سنت به مدرنیته‌اند، طی دهه‌های گذشته با اجرای برنامه‌های نوسازی به‌عنوان یکی از قطب‌های رشد کشور و منطقه شمال غرب مطرح بوده و هست. اغلب صنایع بزرگ و خدمات در این شهر متمرکزشده‌اند. به دلیل وجود دوگانگی اقتصادی و شهری و دوگانگی شهر- روستا، روستاییان فاقد درآمد یک‌راه نجات از فقر و بیکاری را درحرکت به‌سوی مادر شهر تبریز یافته‌اند. در این راستا، مادر شهر تبریز توان جذب مهاجران فاقد تخصص و مهارت را نداشته و قادر به پاسخگویی به نیازهای اشتغال این جمعیت نیست. این فرآیند منجر به تمرکز جمعیت و ایجاد مشکلاتی چون حاشیه‌نشینی، بیکاری، فقر و گسترش پدیده‌ای به نام بخش غیررسمی شده است. مساحت این نوع از سکونتگاه‌ها در تبریز ٤۰۰ هکتار با جمعیتی متجاوز از ۵۰۰۰۰۰ نفر می‌باشد که عمدتاً در چهار پهنه (شمال، جنوب، غرب، شمال غرب و جنوب تبریز)ساکن هستند. محلات ناکارآمد کلان‌شهر تبریز نیز ازجمله این محلات غیررسمی و ناکارآمد در این کلان‌شهرمی باشد. بر این اساس در تحقیق حاضر، چهار محلهٔ ناکارآمد شامل چوخورلار، قازان داغی، ملاحسین باغی و شمس‌آباد به‌عنوان نمونهٔ موردی از چهار نقطهٔ متفاوت شهر انتخاب شدند.

بر این اساس، این محلات منشأ روستایی دارند و واحدهای مسکونی در آن‌ها اغلب به‌صورت غیرقانونی ساخته‌شده‌اند و با مشکلاتی نظیر کیفیت نازل مسکن، پوشش نامناسب معابر، انواع آلودگی‌های بصری و زیست‌محیطی، ازدحام جمعیتی و... مواجه‌اند و تراکم جمعیت در این مناطق بالاست. هرچند طرح ساماندهی این محلات در سال‌های اولیه اجرای خود شده ولی آن‌طور که باید اهداف توانمندسازی در راستای توانمندسازی اجتماع محلی در راستای مشارکت در طرح‌های تقویت و ارتقای شاخص‌های توسعه محله‌ای و تصمیم سازی آن مؤثر نیفتاده است و از این توان و ظرفیت چشم‌پوشی شده و مورد غفلت واقع‌شده است. از سوی دیگر با توجه به توازن و برابری به‌عنوان هدف اولیه پایداری شهری، داشتن رویکردی مبتنی بر حکمروایی خوب اجتماعات محلی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن‌ها در راستای تحقق سرمایه اجتماعی، اقتصادی و کالبدی محله در مسیر واقعی آن برای حل چالش‌ها و مشکلات محله ضروری می‌باشد. فرایندی که با شکل بخشی به تسهیل گری نهادهای حاکمیتی و اقتصادی بخش‌های خصوصی می‌توان اجتماعات محلی را در راستای مشارکت و ارتقای سرمایه اجتماعی برای بهبود و حل چالش‌های محله تشویق و به پایداری محله در راستای مدیریت توسعه در این محله منجر شد.

مبانی نظری

واژه حکمروایی، واژه جدیدی است که به‌جای واژه قدیمی «دولت» معنا و مفهوم بکار می‌رود. بانک جهانی حکمروایی را به‌صورت ذیل تعریف می‌کند : «روشی که بر اساس آن قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال می‌شود» توانمندسازی دولت، مفهومی است که اخیراً وارد ادبیات توسعه اقتصادی شده و

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

در برابر دیدگاه‌های پیشین توسعه، دولت بزرگ و دولت کوچک را عامل توسعه نمی‌داند بلکه باور بر این است که جدای از اندازه دولت، توانایی دولت در انجام وظایف محوله نقش مهمی در توسعه و پیشرفت اقتصادی دارد. دولت‌ها می‌توانند با تقویت نهادهایشان، توانمندی‌شان را بهبود بخشند. این امر مستلزم نهادینه ساختن قوانین و هنجارهایی است که به مقامات دولتی انگیزه می‌دهد تا طبق منافع جمع عمل کنند(Rahnema et al., 2010).

کافمن[5] و همکارانش در بانک جهانی برای بیان حکمروایی شش شاخص حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد، کیفیت بوروکراسی و اثربخشی دولت را بیان کردند .و باور بر این است که هرقدر در کشور، دولت پاسخ‌گوتر، کارآمدتر و ثبات سیاسی بیشتر، مقررات اضافی و هزینه‌ها کمتر و حاکمیت قانون گسترده‌تر و فساد محدودتر باشد، گفته می‌شود که حکمرایی خوب برقرار است. در دهه‌های اخیر، حکمروایی به یکی از مفاهیم کلیدی مطالعات شهری تبدیل‌شده است. حکمروایی فرآیندی است که به حضور کنشگران و ارتقاء نقش آنان در تصمیم‌گیری‌ها و اداره امور ارج می‌نهد و درنهایت می‌تواند منجر به توسعه پایدار محیط شود. به تعبیری، حکمروایی فرایندی است که پیوند کنشگران حیطه عمومی و خصوصی را در برمی‌گیرد وبر حقانیت عرصه عمومی و مشارکت اجتماعی مردم در فرایند توسعه و در چارچوب شبکه‌های اجتماعی تأکید می‌ورزد. در این میان با توجه به ناکارآمدی رویکردهای بالا به پایین در برنامه‌ریزی‌ها و نیز فزونی گرفتن مسائل و چالش‌های پیش روی کلان‌شهرها و شهرهای امروزی، توجه به رویکردها و شیوه‌های مشارکتی و دموکراتیک در برنامه‌ریزی‌ها و نظریه‌پردازی‌های جدید در شیوه‌های اداره امور بیش‌ازپیش احساس می‌شود. درواقع خصوص کاهش نقش دولت و بازنگری در وظایف و کارکردهای آن و افزایش نقش نهادهای غیردولتی در اداره زندگی اجتماعی را می‌توان مبین ضرورت گذار از حکومت به حکمروایی تلقی کرد حکمروایی دربیانی ساده، فرایندی از تصمیم سازی و روندی است که تصمیم‌ها در آن به اجرا درمی‌آیند، خلاصه می‌شود آن را به قدمت تمدن بشری دانست. این اصطلاح از لغت یونانی گرفته‌شده است و معنی آن هدایت کردن و راهنمایی کردن و یا چیزها را در کنار هم نگه‌داشتن است(Ebrahimzadeh and Asadian ,2013) .

در رویکرد حکمروایی شهری مهم‌ترین اصل تأکید شده شناخت شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و اصول مربوط به نحوه پیاده‌سازی آن است. چراکه با این مؤلفه‌ها و شاخص‌هاست که مبادی بنیادی آن و نگرش‌های این رویکرد شناخته می‌شود(Evans et al.,2005). این رویکرد در بحث تحولات مدیریت شهری به‌عنوان رویکرد جدیدی که مدیریت آگاهانه ساختارهای حکومتی با قصد تقویت حوزه‌های عمومی را در برمی‌گیرد، برای دستیابی بدان نیز بایستی دنبال راهکارهای بنیادی بود

5-Kauffman

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

که در درجه اول شناخت اصول و شاخص‌های نهفته در آن متناسب با نیازهای سطوحی که مدیریت در آن صورت می-گیرد قرار دارد و درجه دوم اهمیت در مسئله یکپارچه‌سازی مردم و بخش خصوصی در کنار بدنه مدیریتی شهر برای همکاری و مشارکت باهم با ایجاد تغییرات بنیادی در نگرش‌ها و مناسبات نظام مدیریت شهری با توجه به این شاخص-ها می‌باشد(Barkpour and Asadi, 2010) .

مطابق با تأکیدات سازمان یونسکو در رابطه با لزوم تحول در فرایند متمرکز مدیریت در شهرها، حکمروایی شهری ارتباط مستمر و دائمی مسئولین مدیریت محلی با شهروندان و سایر بخش‌های ذینفع شهری چون بخش‌های خصوصی و احزاب اجتماعی و اقتصادی و دیگر نهادهای شهری دانسته شده است(Leautier and kaufman,2005). نکته تمایز حکمروایی شهری تفاوت بارزان با شیوه‌های سنتی مدیریت شهری می‌باشد و آن روند مشارکت‌پذیری و انعطاف‌پذیری سیستم اداره شهر هست. در این الگو در آن دو ذینفع و شریک عمده علاوه بر بدنه اجرایی نیز وجود دارد: مردم و بخش خصوصی. این رویکرد نوین در بحث مدیریت جوامع انسانی در کشورهای درحال‌توسعه می‌تواند بسیار راهگشا بوده و در بحث عواملی چون فساد سازمانی– نهادی، آموزش و ارتباط با مردم، توانمندسازی سیاست‌های راهبردی از طریق مشارکت در این نواحی تحولات شگرفی ایجاد نماید. پس آشکار است که علاوه بر تحولات درونی روابط، رفتار و مناسبات بیرونی مدیریت شهری چقدر در این دیدگاه حائز اهمیت می‌باشد(Biswas et al.,2019). درواقع اهمیت کاربست رویکرد حکمروایی در بسیاری از کشورها لازم شماره شده و تلاش‌هایی در راستای تأکیدات سازمان‌های جهانی مانند بانک جهانی و سازمان ملل در فرایند تغییرات مدیریت در آن‌ها صورت یافته است. نمونه‌ای از این پروژه‌ها تلاش‌ها در جدول شمارهٔ (۱)آمده است.

جدول ۱- پروژه‌های تحقق بخشی حکمروایی در فرایند مدیریت شهری(Biswas et al.,2019)

Table 1- Projects realization urban gavernance in the process of urban management (Biswas et al.,2019)

پروژه‌های حکمروایی شهری	متولی (ارائه‌دهنده)
فهرست(شاخص) حکمروایی شهری	(UN-HABITAT,2005)
فشارسنجی(نظارت) مدیریت محلی	Bloom, Sunseri & Leonard, 2007
حاکمیت خوب برای توسعه محلی در افغانستان	(UNDP, 2009)
راهنمای ارزیابی دموکراسی محلی	IDEA, 2001
شاخص‌های حاکمیت دموکراتیک محلی	Tocqueville Research Centre & OSI
رهنمودهای روش‌شناختی برای تحلیل مدیریت محلی	UNDP, 2007
شاخص حکومت (کمی‌تران – مشارکت) اندونزی	(Kemitraan Partnership, 2009)
اندازه‌گیری عملکرد شهرداری در پاراگوئه	GAP, 2009a
رصدخانه دموکراسی در آمریکای مرکزی	GAP, 2009b

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

ادامه جدول ۱- پروژه‌های تحقق بخشی حکمروایی در فرایند مدیریت شهری(Biswas et al.,2019)

Countinue of table 1- Projects realization urban gavernance in the process of urban management (Biswas et al.,2019)

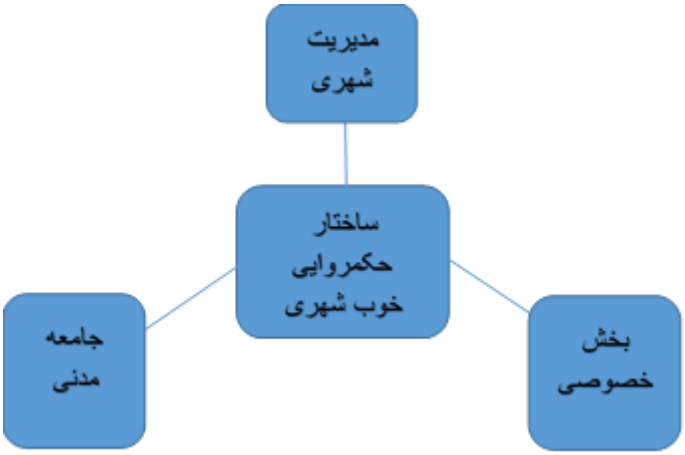
تمرکززدایی استراتژیک برای توسعه محلی در مکزیک	Wilde et al., 2009
راهنمای شورای اروپا برای توسعه شاخص‌های بهزیستی / پیشرفت با شهروندان – کاربرد ماژول حاکمیت و حکمروایی در رومانی	(European Commission, 2009)
کارت‌های گزارش شهروندی (مرکز روابط عمومی ، هند)	PAC, 2008
ممیزی اجتماعی در مدیریت محلی (بوسنی و هرزگوین)	Wilde et al., 2009
خودارزیابی دولت محلی (بنگلادش)	Boss, 2009
حسابرسی اجتماعی مدیریت و تحویل خدمات عمومی در پاکستان	Cockcroft et al., 2005
حاکمیت برای شاخص توسعه محلی در فلیپین	Capuno, Garcia, & Sardalla, 2001
فهرست(نمایه‌های) مسئولیت ، شفافیت و پاسخگویی (مقدونیه)	UNDP, 2008
استانداردهای شفافیت شهرداری (شیلی)	Wilde et al., 2009
روش‌شناسی ارزیابی ظرفیت شهرداری‌ها در ترکیه و بالکان غربی برای تحویل خدمات	UNDP,2008

رویکرد جدید ارائه‌شده در مدیریت شهری کشورهای پیشرفته درواقع متکی به رویکرد سیستمی و چرخه‌ای در فرایند برنامه‌ریزی بود و از مشارکت و شفافیت به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کرد و یک سازمان‌دهی نوین و منعطف بین ارتباطات متقابل و کنش‌های اجتماعی، بخش خصوصی و مدیریت شهر است. این ساختار چندلایه، سیستمی برای شهر تدارک می‌بیند که مردم و بخش‌های دیگر اقتصادی– اجتماعی و فرهنگی در چیدمان اعضای سیاست‌گذار و هدایت‌گر مداخله مستقیم داشته و مشارکت همه‌جانبه در تصمیم‌سازی‌ها دارند.(شکل۲) . بنابراین برای مشارکت پذیر نمودن جامعه شهری و نهادینه کردن امر مشارکت، توجهات اخیر در فرایند اداره شهرها ارتقاء مدیریت شهری به حکمروایی شهری بوده است این مهم از طریق تمرکززدایی از اختیارات و منابع، مدیریت محلی کارا و مردم آگاه و مسئولیت‌پذیر به وجود خواهد آمد. مرور ادبیات مربوط به حکمروایی شهری نیز معیارهای نوینی را برای تعریف حکومت شهری یا همان مدیریت شهری همچون انعطاف‌پذیری، کارایی، مشارکت، قانون‌مداری، پاسخگو بودن و شفافیت در عملکردها را بازگو و آشکار می‌سازد که همه آن‌ها به نقش‌آفرینی سه عنصر اصلی حکمرانی تأکید دارد.

توسعه پایدار شهری

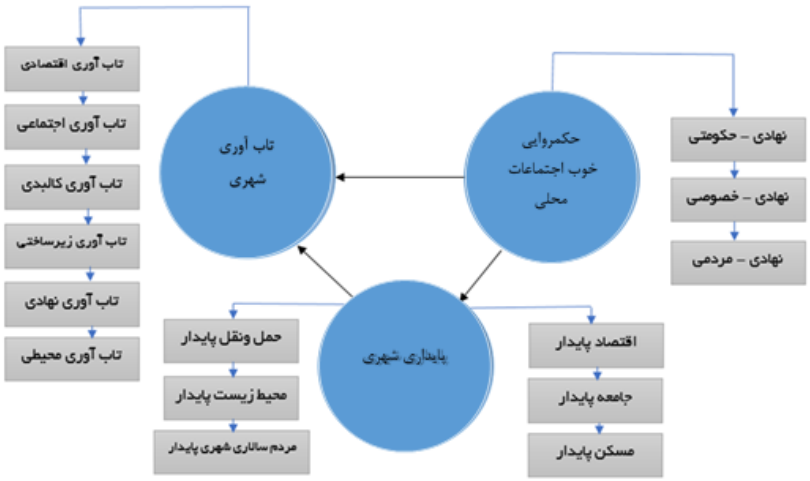
پایداری شهری مفهومی است که در پی مطرح‌شدن توسعه پایدار به‌عنوان الگووارهای جدید برای توسعه در جهان مطرح گردید. ریشه‌های نگرش توسعه پایدار به نارضایتی از نتایج توسعه و رشد اجتماعی–اقتصادی در شهرها از منظر بوم شناسی (اکولوژی) برمی‌گردد. این الگووارهٔ تازه با عنوان توسعه پایدار به مقابله با الگوهای تولید، توزیع و مصرف

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]



شکل ۱: ساختار و اجزای تشکیل حکمروایی خوب شهری (Barkpour and Asadi, 2010)

Figure 1: The structure and components of good urban governance (Barkpour and Asadi ,2010)



شکل ۲ : مدل مفهومی متغیرهای تحلیلی پژوهش

Figure 2: Conceptual model of research analytical variables

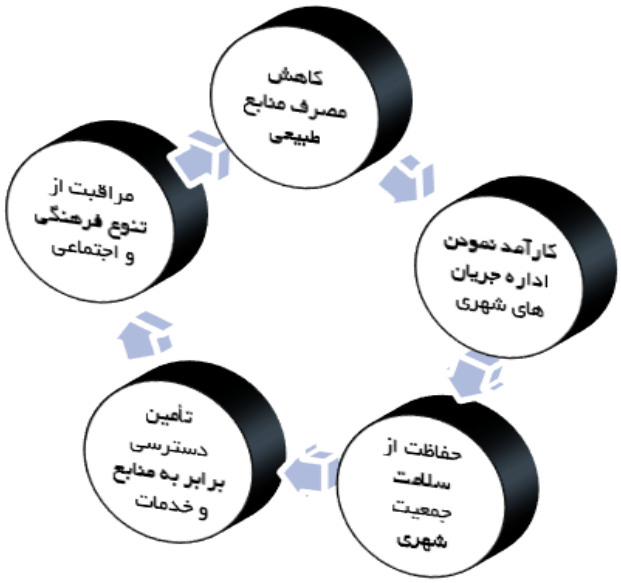
ناسازگار با طبیعتی می‌پردازد که به اتمام منابع و تخریب محیط‌زیست می‌انجامد و تنها فرآیند توسعه‌ای را تائید می‌کند که به بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها در حد پذیرش ظرفیت نظام‌های پشتیبان حیات منجر شود. این الگوواره جدید توسعه پایدار، حول حساسیت‌های زیست‌محیطی و به بیان دقیق‌تر بوم‌شناختی شکل گرفت و اشاره‌های اولیه آن برای سیاست-های توسعه شهری، حفظ فضای سبز و پاکیزگی آب، جلوگیری از آلودگی هوا و کاهش تولید زباله در سطح محلی بود. لیکن به‌تدریج سیاست‌های پایداری به پهنه‌های جغرافیایی گسترده‌تری (در سطوح منطقه‌ای، ملی و جهانی) روی آورد

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

و افزون بر بعد بوم‌شناسانه، به ابعاد اجتماعی-اقتصادی نیز توجه کرد. ازاین‌رو می‌توان شهر پایدار را شهری دانست که برآمده از توسعه‌ای است که ذهنیت و امکان ارتقای همیشگی سلامت اجتماعی-اقتصادی و بوم‌شناسانه شهر و منطقه آن را فراهم کرده است(Toudert et al.,2019).

توسعه پایدار شهری، موضوع‌های جلوگیری از آلودگی‌های محیط شهری و ناحیه‌ای، کاهش ظرفیت‌های تولید محیط محلی، ناحیه‌ای و ملی، حمایت از بازیافت‌ها، عدم‌حمایت از توسعه‌ی زیان‌آور و از بین بردن شکاف میان فقیر و غنی را مطرح می‌کند. توسعه پایدار شهری به‌مثابه دیدگاهی راهبردی به نقش دولت در این برنامه‌ریزی‌ها اهمیت بسیاری می‌دهد و معتقد است دولت‌ها باید از محیط‌زیست شهری حمایت همه-جانبه ای کنند. توسعه پایدار شهری، الگوی پایدار سکونت‌گاه‌ها، الگوی مؤثر حمل‌ونقل در زمینه‌ی مصرف سوخت و نیز شهر را در سلسله‌مراتب ناحیه‌ی شهری بررسی می‌کند، زیرا ایجاد شهر را فقط برای لذت شهرنشینان می‌داند. درهرحال، توسعه یعنی رشد و گسترش همه‌ی شرایط و جنبه‌های مادی و معنوی زندگی اجتماعی و فرآیندی است در جهت بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی افراد جامعه؛ فرآیندی که کوشش‌های مردم و دولت را در بهبود اوضاع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی هر محل هماهنگ کند و مردم را برای مشارکت در پیشرفت ملی توانا سازد. همچنین در برآوردن احتیاجات محسوس یک جامعه، امنیت ملی، آزادی فردی، مشارکت سیاسی و برابری اجتماعی نقش داشته باشد .توسعه پایدار شهری به دنبال ساختن یک شهر نسبت ایده آل و آرمانی است که در آن‌هم شهروندان معاصر از یک زندگی نسبت خوب برخوردار شوند و هم توانایی‌های نسل آینده برای برآورده کردن نیازهایشان به مخاطره نیفتد؛ یعنی این‌که نسل حاضر در فراهم کردن شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زندگی باشد که در آن بتوانند نیازهای زیستی و معنوی کل افراد جامعه را در حد مطلوب تأمین کند .مؤلفین بر این باورند که در کشور اسلامی ایران، برای این‌که شهرها محلی مطلوب برای زیستن و آسایش باشد، ما راهی جز این در پیش نداریم که برای لذت بردن از سبک زندگی کردن‌هایمان به توسعه پایدار شهری اهتمام تئوری و عملی بورزیم و درنهایت آن را برای جامعه یک ضرورت بدانیم مشروط به آن‌که برای خلاقیت، فرهنگ، مشارکت، تعلیم و تربیت، تأمین نیازهای بنیادین انسان و همه‌ی نیازهای جامعه‌ی انسانی زمینه‌سازی کند و نیز قوانین و مقررات و فرهنگ چنین توسعه پایدار شهری را در جامعه نهادینه‌سازیم(Abdolahi,2015) .الگوهای توسعه شهری در اغلب نقاط جهان بخصوص در کشورهای درحال‌توسعه ازنظر اجتماعی و روانی مطلوبیتی ندارند. شهرها و سکونتگاه-های موجود به‌هیچ‌وجه مطابق با معیارها و ضوابط موردنظر نیستند. این در حالی است که به اعتقاد کاکس توسعه پایدار

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]



شکل ۳: اهداف توسعه پایدار شهری(Alizadeh, 2013)

Figure 3: Objectives of sustainable urban development (Alizadeh,2013)

شهری باید در راستای حرکت به‌سوی عدالت اجتماعی باشد و در جهت آلودگی و تخریب منابع طبیعی نباشد (Hataminejad And SHarify, 2015).

همان‌طور که در شکل (۲) تشریح شده است، توسعه پایدار شهری با پنج هدف کلی برای رسیدن به آینده شهری پایدارتر در شهرهای اروپایی مبنی بر حداقل مصرف منابع طبیعی، کارآمد نمودن اداره جریان‌های شهری، حفاظت از سلامت جمعیت شهری، تأمین دسترسی برابر به منابع و خدمات و مراقبت از تنوع فرهنگی و اجتماعی تعریف و تبیین شده است هدف اصلی توسعه پایدار، تأمین نیازهای اساسی، بهبود و ارتقای سطح زندگی برای همه، حفظ و اداره بهتر اکوسیستم‌ها و آیتم‌های امن‌تر و سعادتمند ذکرشده است (Maoh and Kanaroglou,2009).

پیشینه موضوع

مبحث توانمندسازی و پرداخت به مسئله‌ای بنام بافت های ناکارآمد، غیررسمی و حاشیه‌ای در شهرها هسته اصلی بسیاری از تحقیق‌ها و پژوهش‌های معتبر علمی و دستگاه‌های اجرایی در راستای مدیریت و برنامه‌ریزی شهری در این محلات بوده است. در این بخش به گزیده‌ای از این مطالعات در دو بخش داخلی و خارجی اشاره‌شده است.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

الف – مطالعات داخلی

ازجمله تحقیقات پژوهش‌های داخلی که به موضوع کلان توانمندسازی در مناطق اسکان غیررسمی و محلات ناکارآمد پرداخته است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

Meshkiny et al(2011) ،در مطالعه‌ای با عنوان ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی با شیوه توانمندسازی (نمونه موردی باقرشهر – محله بابا جعفری) این‌گونه تشریح کرده‌اند که : توسعه شهری به‌طور عام در کشور و به‌طور خاص در تهران براثر بازتاب فضایی اسکان غیررسمی ناپایدار شده است این امر را نه می‌توان به امید خود رها نمود و نه با برخوردی مقطعی، گزینشی و پراکنده‌کاری پاسخگوی آن بود .

Piry and Rezaian(2014) ،در مطالعه‌ای با عنوان امکان‌سنجی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی بر بنیان سیاست-های دارایی مبنای توسعه اجتماعات محلی به این نتیجه رسیده‌اند که مؤلفه‌های سیاست دارایی_ مبنای توسعه اجتماعات محلی یعنی سرمایه اجتماعی، سرمایه کالبدی و سرمایه مالی در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی تأثیر معنی‌داری دارند.

Fathzade and Zahed Zahedani(2015) ، در مطالعه‌ای با عنوان برنامه‌ریزی راهبردی، به‌منظور توانمندسازی محلات حاشیه‌نشین (محلات حاشیه‌نشین سیلاب، احمدآباد و یانوق دره سی تبریز) به این نتیجه رسیدند شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی مهم‌ترین عامل در توانمندسازی محلات می‌باشد و استفاده از توان بالای مشارکتی ساکنان محلات در اجرای طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی، اجرای مانورهای بلایای طبیعی با رویکرد آگاه‌سازی ساکنین و رعایت اصول فنی و مهندسی در ساخت‌وساز واحدهای مسکونی و نظارت دقیق مهندسان ناظر، مهم‌ترین برنامه‌های اقدامی توانمندسازی محلات شناخته شد.

Meshkiny and Tardast(2019) ، در مطالعه‌ای با عنوان اثرگذاری مشارکت در توانمندسازی سکونتگاه‌های مسئله‌دار شهری (مطالعه موردی : محله بانبرز ایلام)، به این نتیجه رسیدند که مشارکت اجتماعی بر توانمندسازی سکونتگاه موردبررسی مؤثر می‌باشد. همچنین، ساکنان محله تمایل به مشارکت فراگیر جهت ساماندهی و توانمندسازی محله از طریق مشارکت‌های تصمیم‌گیری و مدیریت، تأمین مالی هزینه‌ها (انجام طرح‌ها)، تأمین نیروی انسانی برای توسعه محله دارند.

Shomali et al(2022) ، در پژوهشی با عنوان ارزیابی میزان تناسب توسعه کلان‌شهر تبریز با رویکرد زیست پذیری شهری به این نتیجه رسیده‌اند که توسعه کلان‌شهر تبریز در دهه‌های اخیر متناسب با اصول زیست پذیری نبوده و سهم مناطق ازنظر برخورداری از شاخص‌های زیست پذیری و پایداری یکسان نمی‌باشد.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

ب- مطالعات خارجی

Ilcanand Lacy(2011)، در مطالعه‌ای با عنوان حکمرانی فقر تجاربی از کاهش فقر شهری و اقداماتی رد راستای اهداف جهانی این‌گونه ذکر کرده‌اند که امروزه فقر شهری و به‌تبع آن شکل‌گیری محلات ناکارآمد و فقیر شهری یکی از وجوه بارز شهرهای بزرگ به‌خصوص در کشورهای درحال‌توسعه هست به جهت انباشت امکانات بسیار یا مهاجران را به‌صورت غیرطبیعی به سمت خود جذب می‌کنند.

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی(2012)(OECD) ، در مطالعه‌ای جامع به بررسی روش‌های ریشه‌کن‌سازی فقر و ساماندهی بافت‌های حاشیه‌ای و ناکارآمد در شهرهای جهان سوم پرداخته است. در این راستا راهکارهایی در زمینه ایجاد چهارچوب‌های مشارکتی، تسهیل گری اقتصادی و شرکت در طرح‌های توسعه به‌عنوان مواردی مهم در توانمندسازی ساکنان این محلات ذکرشده است

Mitlin and satterthwaite(2013) ، در مطالعه‌ای با عنوان توانمندسازی شهروندان مناطق غیررسمی شهر، دولت محلی و جامعه مدنی این‌گونه تشریح کرده‌اند که دولت‌های محلی در راستای رسیدن به اهداف دموکراتیک و مشارکت گرای خود یکی از مهم‌ترین وظایف آن‌ها ایجاد توازن در مورفولوژی و توزیع منابع در شهرهاست.

Malaque et al(2018) ، در مطالعه‌ای با عنوان شکوفایی در مناطق فقیرنشین شهری: توسعه مترقی و توانمندسازی مناطق فقیرنشین شهری برای دستیابی به سکونتگاه‌های امن در فیلیپین به ارزیابی راهکارهای توانمندسازی مناطق زاغه‌نشین در فیلیپین پرداخته و یکی از این راهکارها که موفق عمل کرده است توانمندسازی ساکنین در بخش مسکن شهری بوده است.

امروزه پدیده محلات ناکارآمد به‌جز جدایی‌ناپذیر شهرهای کشور به‌ویژه کلان‌شهرها در آمده است که حاصل نقصان برنامه‌ریزی شهری و مسکن، شهروند زدایی و عدم توجه به گروه‌های کم‌درآمد و همچنین نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های اجتماعی و اقتصادی و توزیع امکانات و منابع می‌باشد. بنابراین مفهوم توانمندسازی که یکی از مفاهیم نوین برنامه‌ریزی شهری می‌باشد در دهه اخیر موردتوجه پژوهشگران قرارگرفته است و محققان از طرق مختلف به بیان دیدگاه‌ها و استراتژی‌های خود پرداخته‌اند.

موادوروش ها

پژوهش حاضر، بر مبنای هدف از نوع کاربردی و ازلحاظ نحوهٔ گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی-همبستگی می‌باشد. در قسمت تحلیل داده‌ها از فن مدل‌سازی معادلات ساختاری بهره گرفته‌شده است. مدل‌سازی معادلات ساختاری از دو بخش مدل اندازه‌گیری و مدل‌های ساختاری تشکیل‌شده است و متغیرهای مدل در دستهٔ متغیرهای پنهان و آشکار تقسیم‌بندی می‌شوند که متغیرهای پنهان نیز در سطوح مختلف، بکار برده می‌شوند. بخش مدل اندازه‌گیری شامل سؤال‌ها

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

(شاخص‌ها) هر بعد همراه با آن بعد است و روابط میان سؤال‌ها و ابعاد در این بخش مورد تجزیه‌وتحلیل قرار می‌گیرد. بخش مدل ساختاری نیز حاوی تمامی سازه‌های مطرح در مدل اصلی پژوهش است و میزان همبستگی سازه‌ها و روابط میان آن‌ها در این قسمت مورد تمرکز واقع می‌شود. در این راستا، متغیرهای پژوهش از دو شاخص اصلی حکمروایی اجتماعات شهری شامل ٤ زیرشاخص (مدیریت و رهبری، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، مشارکت بخش خصوصی، مشارکت مردمی) و پایداری شهری شامل ٦ زیرشاخص (اقتصاد پایدار، محیط پایدار، حمل‌ونقل پایدار، جامعهٔ پایدار، مسکن پایدار و مردم‌سالاری) است که هر زیر شاخص نیز به تعدادی سؤال تقسیم می‌شوند که در ضمایم مقاله می‌توان مشاهده کرد.

به‌منظور تحلیل داده‌های پژوهش از تحلیل‌های گوناگون استفاده‌شده است. در مرحله اول نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف – اسمیرنوف در نرم‌افزار SPSS بین متغیرهای تحقیق استفاده می‌شود تا نسبت به نرمال بودن یا نبودن داده‌ها اطمینان حاصل گردد و بر مبنای آن از نرم‌افزارها و روش‌های متناسب استفاده شود. در مرحله بعد روایی سازه متغیرهای تحقیق و شاخص‌های منتج از آن‌ها با استفاده از آزمون تحلیل عاملی تأییدی موردبررسی قرار می‌گیرد و درنهایت از طریق معادلات ساختاری، به مدل یابی پژوهش حاضر مبادرت می‌شود.

برای بررسی فرضیات مدل، از مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی استفاده‌شده است. در این رویکرد از پرکاربردترین نرم‌افزار آن Smart-PLS استفاده‌شده است. جامعهٔ آماری پژوهش حاضر، از طریق فرمول کوکران، تعداد ۳۷۳ نمونه (بر اساس تجمیع جمعیت محلات که ۱۲٦٦۲ نفر بود) برآورد گردید که این تعداد پس از مشورت با کارشناسان، به تعداد ۵۰۰ نمونه افزایش یافت که این تعداد با استفاده از نمونه‌گیری سهمیه‌ای در بین محلات انتخابی توزیع گردید. در این راستا، برای تجزیه‌وتحلیل داده‌های تحقیق، برای اطمینان از جمع‌آوری حداقل نمونه موردنیاز ۵۱۰ پرسشنامه در ٤ محلهٔ چوخورلار، قازان داغی، شمس‌آباد و ملاحسین‌باغی توزیع گردید و از بین ۵۱۰ پرسشنامهٔ توزیع‌شده و حذف ۱۰ پرسشنامهٔ ناقص، درمجموع ۵۰۰ پرسشنامه درست و صحیح جمع‌آوری گردید و به کمک نرم‌افزار Smart-PLS مورد تحلیل قرار گرفت. بر این اساس، تعداد جمعیت و تعداد پرسشنامهٔ توزیعی در جدول شمارهٔ (۲)، قابل‌مشاهده است.

جدول ۲- تعداد جمعیت و نمونهٔ اختصاص‌یافتهٔ محلات ناکارآمد انتخابی

Table 2 - The number of population and the allocated sample of selected inefficient neighborhoods

	چوخورلار	ملاحسین‌باغی	قازان داغی	شمس‌آباد
جمعیت و درصد	۵۱۱ (٤٪)	۵٦۲۰ (٤۵/۸۳٪)	۱۵۰۰ (۱۲/۲۳ ٪)	۵۱۳۲ (٤۳ ٪)
تعداد	٤۰	۲۰۵	٦۰	۱۹۵

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

بر اساس این جدول، با توجه به جمعیت بالنسبه کمتر محلهٔ چوخورلار نسبت به سه محلهٔ دیگر، تعداد ۲۰ پرسشنامهٔ دیگر نیز به جامعهٔ آماری این محله افزوده شد و نهایتاً این تعداد به ٤٠ عدد رسید. همچنین تعداد پرسشنامه‌های محلهٔ قازان داغی از ۵۳ به ٦٠ مورد اضافه گردید. لازم به ذکر است، که تعداد ۲۷ نمونهٔ افزایش‌یافته به دو نمونهٔ موردی مذکور با جرح‌وتعدیل در نمونه‌های دو محلهٔ دیگر ملاحسین باغی و شمس‌آباد، به دست آمد.

پرسشنامهٔ پژوهش حاضر با توجه به اهداف پژوهش دارای دو متغیر اصلی شامل حکمروایی اجتماعات محلی و پایداری شهری می‌باشد. حکمروایی اجتماعات محلی دارای ٤ زیر مؤلفهٔ رهبری، مدیریت و برنامه‌ریزی (۸ سؤال)، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی (٤ سؤال)، مشارکت بخش خصوصی (۵ سؤال) و مشارکت مردمی (۵ سؤال) می‌باشند. همچنین متغیر اصلی پایداری شهری، ٦ زیرمتغیر اقتصاد، جامعه، مسکن، محیط، حمل‌ونقل و مردم‌سالاری شهری پایدار که هرکدام دارای ۵ سؤال هستند را شامل می‌شود.در این راستا، در مرحلهٔ بعد در روش‌شناسی پژوهش، به بررسی روایی و پایایی ابزار پژوهش پرداخته می‌شود.

روایی و پایایی پرسش‌های پژوهش

روایی پرسشنامه توسط دو معیار همگرا و واگرا که مختص مدل‌سازی معادلات ساختاری است، بررسی شد. روایی همگرا میزان توانایی شاخص‌های یک بعد در تبیین آن بعد اشاره دارد و روایی واگرا نیز بیانگر این مطلب است که سازه‌های مدل پژوهش باید هم‌بستگی بیشتری با سؤالات خود داشته باشند تا سازه‌های دیگر (Talebi et al, 2013: 76). برای ارزیابی روایی همگرا از معیار AVE (میانگین واریانس استخراج‌شده) (بالای ۰/۵) و جهت دستیابی به پایایی از پایایی ترکیبی (CR) (مقدار بالای ۰/۷) استفاده شد(جدول۳). نتایج به‌دست‌آمده نشان از روایی و پایایی بالای متغیرهای پژوهش دارد.

جدول ۳- مدل ضرایب مسیر مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری متغیرهای تحقیق

Table 3- Path coefficients model Measurement and structural models of research variables

متغیرهای حکمروایی	Composite Reliability	**AVE**[٦]
رهبری و مدیریت	۰/۹۵۰	۰/۷۳٤
مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی	۰/۹۰۹	۰/۷۱٤
مشارکت بخش خصوصی	۰/۸۹٦	۰/٦۳٤
مشارکت مردمی	۰/۸۵۰	۰/٦۵۷
متغیرهای پایداری	**Composite Reliability**	**AVE**[۷]
اقتصاد پایدار	۰/۸۹۰	۰/٦۲۱
محیط پایدار	۰/۸٦۸	۰/٦۲٤
اجتماع پایدار	۰/۸۵۱	۰/٦٦۰

6- Average Variance Extracted
7- Average Variance Extracted

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

حمل‌ونقل پایدار	۰/۹۱۵	۰/٦۹٤
مسکن پایدار	۰/۹۳۷	۰/۷۸۹
مردم‌سالاری	۰/۹۱۵	۰/٦۸۵

همچنین روش دیگر بررسی روایی همگرا، آزمون بار عرضی است. در این آزمون انتظار می‌رود بار هر معرف برای هر متغیر مکنون بیشتر از بارهای عرضی یا بار آن معرف برای سایر متغیرهای مکنون می‌باشد. آزمون بار عرضی، ارزیابی روایی آن را در سطح معرف فراهم می‌کند.

جدول ٤- بارهای عاملی گویه‌های حکمروایی اجتماعات محلی (آزمون بار عرضی)

Table 4 - Factor loads of local community governance items(Transverse load test) (Stadies of Writers)

پاسخگویی	مشارکت بخش خصوصی	مدیریت و رهبری	مشارکت شهروندی	-
/۷۰۷	۰/۵۷۳	۰/۵۸۳	۰/٦۰۸	مشارکت شهروندی ۱
۰/۸۱٤	۰/۵٤۹	۰/٤٦۸	۰/٤۸٤	مشارکت شهروندی ۳
۰/۸٦۵	۰/۷۳۷	۰/٦٦۷	۰/۷٦۳	مشارکت شهروندی ٤
۰/٦۳۳	۰/٦۳۹	۰/۵٦۱	۰/۷٦۱	مدیریت و رهبری ۱
۰/٦	۰/٦٤۷	۰/۵۷۵	۰/۸۷٦	مدیریت و رهبری ۲
۰/۷۰۷	۰/۷۸٤	۰/۷۸۳	۰/۸۹۷	مدیریت و رهبری ۳
۰/٦۸۸	۰/۷۱۲	۰/٦۵٦	۰/۸۹۳	مدیریت و رهبری ٤
۰/٦۳۱	۰/٦٦٦	۰/٦۱۷	۰/۷۷٤	مدیریت و رهبری ۵
۰/۵۷۷	۰/٦۹۸	۰/٦۲٤	۰/۸٦٦	مدیریت و رهبری ٦
۰/٦٦۳	۰/٦٦۸	۰/۷۷٤	۰/۵۹۵	مدیریت و رهبری ۷
۰/٦۱۳	۰/۸۱۵	۰/۷۳	۰/۸٤۸	مدیریت و رهبری ۸
۰/۳۷۳	۰/٦۵۲	۰/۵۳۸	۰/۵٤۵	مشارکت بخش خصوصی ۱
۰/٤۸۵	۰/۷٤۳	۰/۷۲۸	۰/٤۵۲	مشارکت بخش خصوصی۲
۰/۷٦۱	۰/۸۰۷	۰/۷٤۲	۰/۷۰۷	مشارکت بخش خصوصی۳
۰/٦۳۱	۰/۸۷۳	۰/۷۷۱	۰/۸۲۸	مشارکت بخش خصوصی٤
۰/۷۷	۰/۸۸	۰/۷٦۳	۰/۸۱۲	مشارکت بخش خصوصی۵
۰/٤۹۹	۰/۷۷۱	۰/۸۳۵	۰/٦٦٦	**پاسخگویی۱**
۰/٦٦٤	۰/۸۲۸	۰/۸۹٦	۰/۸۱۳	**پاسخگویی۲**
۰/٦۸۷	۰/٦۵۸	۰/۷۹۹	۰/٦۵۷	**پاسخگویی۳**
۰/۵۸۹	۰/۷٤٤	۰/۸٤۷	۰/٦۲۸	**پاسخگویی**

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

جدول ۵- بارهای عاملی گویه‌های پایداری شهری (آزمون بار عرضی)(Stadies of Writers)

Table 5 - Factor loads of urban sustainability items(transverse load test)(Stadies of Writers)

	جامعهٔ پایدار	حمل‌ونقل پایدار	مردم‌سالاری	مسکن پایدار	پایداری اقتصادی	پایداری محیطی
جامعهٔ پایدار۱	۰/۸۹٤	۰/۵۱۹	۰/٤۹۳	۰/۷۵۱	۰/٦۲۱	۰/۵۸٦
جامعهٔ پایدار۲	۰/٦۵۸	۰/۳٤۵	۰/۳۸۳	۰/۵۱	۰/٤۱۷	۰/۳۹۹
جامعهٔ پایدار۳	۰/۸٦٤	۰/٦۳٦	۰/٦۰۵	۰/۷۹۲	۰/۷۲۵	۰/٦٤۲
حمل‌ونقل پایدار۱	۰/٦۳۱	۰/۹۲٤	۰/۸۰۷	۰/۷۱۸	۰/۵۹۱	۰/۸۱٤
حمل‌ونقل پایدار۲	۰/٤٦۲	۰/۸۱۹	۰/۵۸۵	۰/٦۵۲	۰/٤۸۸	۰/٦٦٤
حمل‌ونقل پایدار۳	۰/۲٦	۰/٤۳۵	۰/۳۷۸	۰/۲٦	۰/۲۰۳	۰/۳۱٦
حمل‌ونقل پایدار٤	۰/٦۲	۰/۹٤۵	۰/۷۹	۰/۷۳٤	۰/۵۹۸	۰/۷٦
حمل‌ونقل پایدار۵	۰/۵۹۲	۰/۹۲۹	۰/۷٤۷	۰/٦۹۲	۰/۵۷٤	۰/۷۱٤
مردم‌سالاری۱	۰/۵۹	۰/۸۵۷	۰/۹۰۸	۰/۷۲۸	۰/٦۱۹	۰/۷۵۸
مردم‌سالاری۲	۰/٦۰۱	۰/۸٦۷	۰/۸٦۹	۰/٦۷۱	۰/۵۵۹	۰/۷۲٤
مردم‌سالاری۳	۰/۵۹۱	۰/۷٤۹	۰/۹۰۱	۰/٦۹۱	۰/٦۳۲	۰/۷٤۳
مردم‌سالاری٤	۰/۲۸۸	۰/٤۱۲	۰/۷۱	۰/٤٤۱	۰/۵	۰/۵٤٦
مردم‌سالاری۵	۰/٤٤۱	۰/۳٦٤	۰/۷۲۷	۰/۵۰٤	۰/۵۷۹	۰/۵٦٦
پایداری اقتصادی۱	۰/۵٦۱	۰/۵	۰/۵٤۳	۰/٦٤۹	۰/۸۸۳	۰/٦٦۱
پایداری اقتصادی۲	۰/٦۳۳	۰/۵۲٤	۰/٦۲۸	۰/٦۷۵	۰/۸٦٤	۰/٦۲۹
پایداری اقتصادی۳	۰/۳۹۵	۰/۲۸۱	۰/۳۳۳	۰/٤٤۳	۰/٦٤	۰/٤۸۳
پایداری اقتصادی۵	۰/٦۸٤	۰/۵۵٦	۰/۵۹۹	۰/۷۰۷	۰/۸٤۵	۰/٦٦۲
پایداری محیطی۱	۰/۵۰۷	۰/۵۹۱	۰/۵٤۷	۰/۵٦۵	۰/۵۷	۰/۷٤
پایداری محیطی۲	۰/٦۱۳	۰/٦۵۱	۰/۷۲۵	۰/۷٤	۰/٦۱	۰/۸٦۷
پایداری محیطی۳	۰/٦۰۳	۰/٦۸۷	۰/۵۱۳	۰/٦۲۲	۰/۵۸٤	۰/۷۳۱
پایداری محیطی۵	۰/٤۵۸	۰/٦٤۸	۰/۷۵۵	۰/٦۹	۰/٦۳٦	۰/۸۱۲
مسکن پایدار۱	۰/۷۹٦	۰/۵۷۸	۰/۵۷۱	۰/۸٦۳	۰/۷۰٤	۰/٦۷۵
مسکن پایدار۲	۰/۸۰۷	۰/٦۸۱	۰/۷	۰/۹۲۸	۰/۷٦۷	۰/۷٤۱
مسکن پایدار۳	۰/۷۸۷	۰/٦۲۳	۰/٦٤٤	۰/۸۹٤	۰/۷	۰/٦۸
مسکن پایدار٤	۰/۷۰۵	۰/۸	۰/۷۱٦	۰/۸٦۷	۰/٦٦۹	۰/۸۳۸
مسکن پایدار۵	۰/٦۲۱	۰/۵۱۸	۰/۵۹٦	۰/٦۳	۰/٦۷٤	۰/۵۳۲

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

جداول شمارهٔ (٤ و ٥)، مربوط به دو متغیر حکمروایی اجتماعات محلی و پایداری شهری نشان می‌دهند که بارهای عاملی شاخص‌های درون هر سازه نسبت به سازهٔ بیرونی آن گاهاً مقدار بیشتر و گاهاً مقدار کمتری را به خود اختصاص می‌دهند که ارقام به‌دست‌آمده نشان‌دهندهٔ روایی همگرا در بین شاخص‌های هریک از سازه‌های پژوهش باشد. در قسمت روایی واگرا، میزان تفاوت بین شاخص‌های یک سازه با شاخص‌های سازه‌های دیگر در مدل مقایسه می‌شود. این کار از طریق مقایسهٔ جذر AVE هر سازه با مقادیر ضرایب همبستگی بین سازه‌ها محاسبه می‌گردد. درصورتی‌که سازه‌ها با شاخص‌های مربوط به خودهمبستگی بیشتری داشته باشد تا با سازه‌های دیگر، روایی واگرای مناسب مدل تأیید می‌شود. جهت این کار ماتریسی باید تشکیل داد که مقادیر اصلی جذر ضرایب AVE هر سازه می‌باشد و مقادیر پایین قطر اصلی ضرایب همبستگی بین هر سازه با سازه‌های دیگر است. این ماتریس در جداول شمارهٔ (٦ و ٧)، نشان داده‌شده است:

جدول ٦- ضرایب همبستگی سازه‌های حکمروایی اجتماعات محلی

Table 6 - Correlation coefficients of governance structures of local communities

	مدیریت و رهبری	مشارکت بخش خصوصی	مشارکت شهروندی	پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری
مدیریت و رهبری	۰/۸۱۹			
مشارکت بخش خصوصی	۰/۸٦۹	۰/۷۹٦		
مشارکت شهروندی	۰/۷۸۸	۰/۷۸۱	۰/۸۰۹	
پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری	۰/۸۲٤	۰/۸۹۱	۰/۷۲۳	۰/۸٤٥

جدول ۷- ضرایب همبستگی سازه‌های پایداری شهری

Table7- Correlation coefficients of urban sustainability structures

	جامعه پایدار	حمل‌ونقل پایدار	مردم‌سالاری	مسکن پایدار	اقتصاد پایدار	محیط پایدار
جامعهٔ پایدار	۰/۸۱۲					
حمل‌ونقل پایدار	۰/٦۳۸	۰/۸۳۳				
مردم‌سالاری	۰/٦۲۲	۰/۸۱٦	۰/۸۲۸			
مسکن	۰/۸٦۱	۰/۷٦٤	۰/۷٤۷	۰/۸۸۸		
اقتصاد پایدار	۰/۷٤٦	۰/٦۱٦	۰/٦۹۸	۰/۷۹۹	۰/۷۸۸	
محیط پایدار	۰/٦۸٤	۰/۸۱۳	۰/۸۱٥	۰/۸۳۳	۰/۷٦	۰/۷۹

بر این اساس، جداول شمارهٔ (٦ و ۷)، جذر AVE هر سازه از ضرایب همبستگی آن سازه با سازه‌های دیگر بیشتر شده که این مطلب حاکی از قابل‌قبول بودن واگرایی سازه‌ها می‌باشد.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

نتایج و یافته‌ها

آمار توصیفی

در پژوهش حاضر، همان‌طور که عنوان شد، تعداد ۵۰۰ پرسشنامه در ٤ محلهٔ ناکارآمد انتخابی شامل چوخورلار؛ قازان داغی، ملاحسین‌باغی و شمس‌آباد پخش گردید که آمار توصیفی شرکت‌کنندگان به شرح جداول(۸ و۹) زیر است:

جدول ۸ – توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر اساس جنسیت در محلات چهارگانه (Stadies of Writers)

Table 8 - Frequency distribution of respondents based on gender in four neighborhoods(Stadies of Writers)

جنسیت	چوخورلار	قازان داغی	ملاحسین باغی	شمس‌آباد
	درصد	درصد	درصد	درصد
مرد	٪ ٦٨/٥	٪ ٦٧/٢	٪ ٧٣/٦	٪ ٨١/٦
زن	٪ ٣١/٥	٪ ٢٢/٨	٪ ٢٦/٤	٪ ١٨/٤

جدول ۹– توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر اساس گروه‌های سنی در محلات چهارگانه

Table 9 - Frequency distribution of respondents based on age groups in four neighborhoods(Stadies of Writers)

گروه‌های سنی	چوخورلار		قازان داغی	
	درصد	درصد فراوانی تجمعی	درصد	درصد فراوانی تجمعی
زیر ۳۰	٪ ٢٧	٪ ٢٧	٪ ٣٦	٪ ٣٦
۳۰ الی ٤۰	٪ ٤١	٪ ٦٨	٪ ٣٧	٪ ٧٣
٤۱ تا ٥۰	٪ ٢٥	٪ ٩٣	٪ ١٧	٪ ٩٠
بالای ٥۰	٪ ٩٧	٪ ١٠٠	٪ ١٠	٪ ١٠٠
کل	٪ ١٠٠	٪ ١٠٠	٪ ١٠٠	١٠٠
گروه‌های سنی	**ملاحسین باغی**		**شمس‌آباد**	
	درصد	درصد فراوانی تجمعی	درصد	درصد فراوانی تجمعی
زیر ۳۰	٪ ٢٣	٪ ٢٣	٪ ٢٦	٪ ٢٦
۳۰ الی ٤۰	٪ ٤٦	٪ ٦٩	٪ ٤٦	٪ ٧٢
٤۱ تا ٥۰	٪ ٢٠	٪ ٨٩	٪ ١٢	٪ ٨٤
بالای ٥۰	٪ ١١	٪ ١٠٠	٪ ١٦	٪ ١٠٠
کل	٪ ١٠٠	٪ ١٠٠	١٠٠	١٠٠

مدل یابی معادلات ساختاری

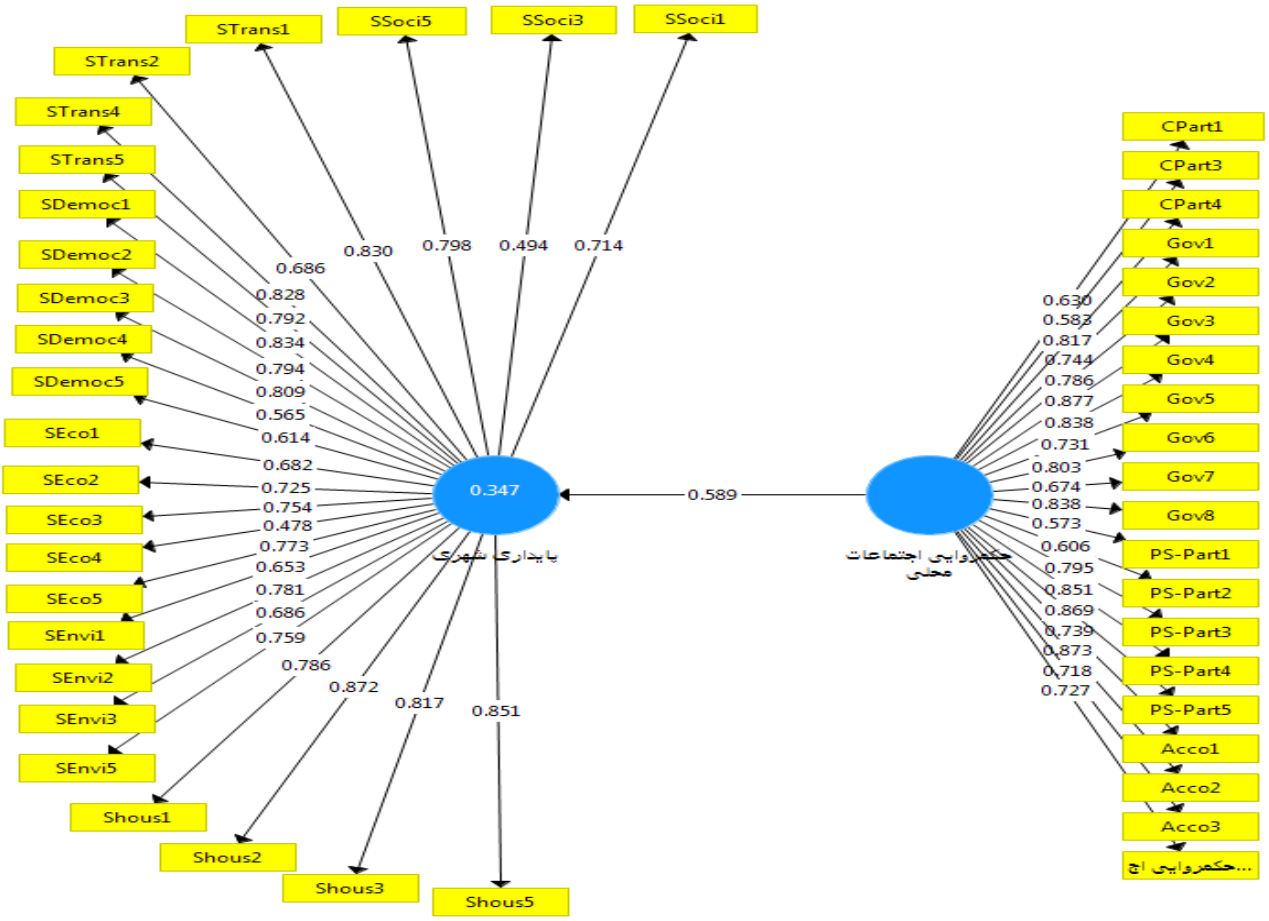
شکل شمارهٔ (٤)، نشان‌دهندهٔ مدل ساختاری تحقیق که دارای بار عاملی سؤالات هر متغیر و ضرایب مسیر آن‌هاست. از این مدل به‌منظور آزمون فرضیات تحقیق به کار می‌رود. همان‌طور که در شکل شمارهٔ (٤)، نشان داده‌شده است، بارهای

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

عاملی گزارش‌شده بالاتر از ۰/۵ است. بر این اساس، به کمک نرم‌افزار PLS بارهای عاملی مدل اندازه‌گیری، مؤلفهٔ رهبری و مدیریت با بار عاملی (۰/۸۷۷)، در حکمرانی اجتماعات محلی بیشترین، بار عاملی رادار است. همچنین در رابطه با متغیرهای پایداری شهری، مسکن پایدار با بار عاملی (۰/۸۷۲) دارای بیشترین بارهای عاملی مربوط به متغیرهای اصلی خود هستند. کمترین بار عاملی پس از حذف سؤالات غیراستاندارد در رابطه با مؤلفهٔ حکمرانی اجتماعات محلی، مربوط به مؤلفهٔ مشارکت بخش خصوصی با بار عاملی ۰/۵۷۳، می‌شود. همچنین متغیر اقتصاد پایدار با بار عاملی ۰/٤۷۸ در بین متغیرهای پایداری شهری دارای کمترین ضرایب بار عاملی شناسایی شدند.

شکل شمارهٔ (۵)، مدل‌های پژوهش را در حالت معناداری ضرایب (t-value)، نشان می‌دهد. این مدل درواقع تمامی معادلات اندازه‌گیری (بارهای عاملی) و معادلات ساختاری (ضرایب مسیر) را با استفاده از آمارهٔ t، آزمون می‌کند. با توجه به نوع فرضیه‌هایی که در پژوهش حاضر بیان گردیده است، هنگامی فرضیه‌ها مورد تأیید قرار خواهند گرفت که ضریب مسیر مثبت بوده و عدد معنی‌داری آن نیز همان آماره تی می‌باشد، معنی‌دار باشد بر طبق این مدل، ضریب مسیر و بار عاملی در سطح اطمینان ۹۵ ٪ معنادار می‌باشد. در نقطهٔ مقابل، اگر آمارهٔ t خارج از بازهٔ (۱/۹٦- تا ۱/۹٦+) قرار گیرد و اگر مقدار آمارهٔ t درون بازه قرار گیرد، درنتیجه بار عاملی یا ضریب مسیر، معنادار نیست. هنگامی ضریب مسیر و بار عاملی در سطح اطمینان ۹۹ ٪ معنادار می‌باشد که مقدار آمارهٔ t خارج بازهٔ (۲/۵۸ تا ۲/۵۸+) قرار گیرد. بر طبق نتایج به‌دست‌آمده از آزمون t تمامی بارهای عاملی در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار شده‌اند و در اندازه‌گیری سازه‌های خود سهم معناداری را ایفا کرده‌اند. اشکال (٤) تا (۵)، مدل‌های به‌دست‌آمده را به تصویر می‌کشد. در این راستا، با توجه به اشکال (٤ و ۵) و آشکار شدن برآیند نتایج محلات ٤ گانهٔ چوخورلار، قازان داغی، ملاحسین باغی و شمس‌آباد، حاکی از تأثیر معنی‌دار و مثبت حکمروایی اجتماعات محلی بر پایداری شهری دارد که این تأثیر با ضریب مسیر ۰/۵۸۹، متوسط تا قوی تفسیر می‌گردد. بدین معنی که با تغییر یک واحد در عوامل و مؤلفه‌های حکمروایی و مدیریت شهری، متغیرهای پایداری نیز به‌صورت متوسط تا قوی در جهت موافق تغییر می‌کنند. بنابراین روشن است که عوامل مدیریتی اجتماع‌محور، چه تأثیر بسزایی در افزایش پایداری و کیفیت زندگی ساکنان این محلات دارد. حکمروایی خوب شهری شامل مکانیسم پیچیده‌ای از فرایندهای نهادی است که شهروندان، بخش خصوصی و همچنین دولت، منافع خودشان را در آنجا بیان و تفاوت‌هایشان را به میان می‌گذارند و حقوق شرعی و تعهداتشان را درک می‌کنند. حکمروایی شهری یا به عبارتی مدیریت نوین شهری درواقع رهیافتی ساختارشکنانه به برنامه‌ریزی توسعه شهری دارد و با مشارکت و کنش متقابل میان بازیگران اصلی مدیریت شهری یعنی جامعه مدنی، حکومت و بازار و بخش خصوصی شکل‌گرفته است که در پژوهش حاضر در میان متغیرها قابل‌مشاهده است. هدف از حکمروایی شهری تقویت فرآیند توسعه شهری است، به‌گونه‌ای که در جامعه، زمینه و محیط مناسبی برای زندگی راحت و کارآمد شهروندان، به‌تناسب ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی آنان فراهم شود.

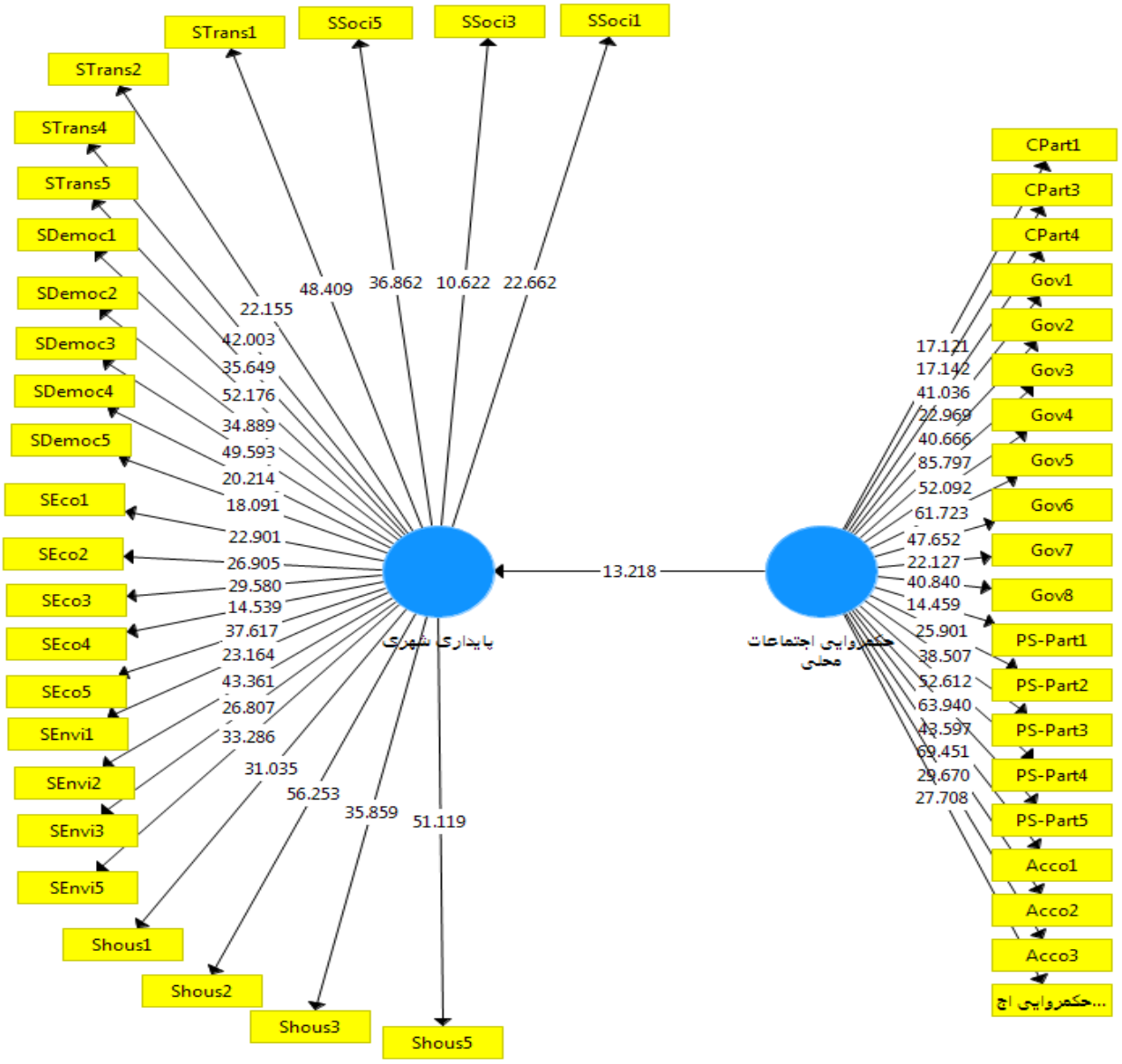
[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]



شکل ٤: مدل نهایی پژوهش در حالت تخمین ضرایب استاندارد و بارهای عاملی

Figure 4: The final research model in the estimation mode of standard coefficients and factor loadings

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]



شکل۵ : مدل نهایی پژوهش در حالت سطح معناداری

Figure 5: The final model of the research in the mode of significance level

در این راستا، با روند شکل‌گیری حکمروایی شهری بر پایه مفاهیم می‌توان اهداف کلان زیر را برای حکمروایی شهری بیان نمود:

- باز ساخت جامعه مدنی برای تقویت و اعتلای بیشتر سازمان‌ها، نمادها و جوامع محلی
- کاهش فقر و جدایی گزینی های اجتماعی، قومی و فرهنگی در شهرها
- افزایش مشارکت و مداخله افراد و صاحبان منافع در فرآیندهای سیاسی درون شهرها

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

اگرچه بافت‌های ناکارآمد موردمطالعه به دلیل داشتن مشکلات متعدد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، عملکردی، ترافیکی و زیست‌محیطی از عمده چالش‌های مدیریت شهری و نظام شهرسازی می‌باشند (کما اینکه در نظرسنجی از محلات نیز این مشکلات ملموس می‌نمود) و برای کل گسترهٔ شهری یک تهدید جدی به شمار می‌آیند؛ بااین‌حال، مهم‌ترین پتانسیل شهرها برای استفاده از زمین برای اسکان جمعیت، تأمین فضاهای باز خدماتی و نیز بهبود محیط‌زیست می‌باشند. متأسفانه اتخاذ سیاست‌های ناکارآمد در عرصهٔ برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در سطح شهر تبریز درزمینهٔ احیاء و بهسازی بافت‌های فرسوده نه‌تنها امکان استفادهٔ مجدد و حداکثری از این موقعیت را به مخاطره افکنده بلکه به‌تدریج موجب فرسودگی و ناکارآمدی بخش قابل‌توجهی از بافت‌های این‌گونه محلات و ایجاد تضاد شدید بین بافت‌های شهری، به‌ویژه بافت‌های جدید که با تغییرات در نقش عملکردی خدماتی شهرها ایجادشده‌اند ، گردیده است. از سویی دیگر، این بافت‌ها به دلیل قدمت و در اکثر موارد فرسودگی و فقدان تأسیسات و خدمات اولیه و ضروری برای زندگی شهری امروز، در پاسخ‌گویی به نیازهای شهروندان خود دچار نارسایی‌های اساسی می‌باشند که این موارد در بازدید میدانی و پیمایشی از این محلات، از نزدیک لمس گردید. وضعیت دسترسی‌های بافت‌های ناکارآمد شهری که عمدتاً بدون طرح قبلی و یا به‌عنوان روستای ادغامی به شهر متصل شده‌اند، از ساختاری نامنظم برخوردارند و دسترسی‌های موجود در آن‌ها غالباً پیاده می‌باشد، به‌گونه‌ای که اکثر معابر این محلات بن‌بست یا با عرض کمتر از ٦ متر بوده و ضریب نفوذپذیری در آنها کم است. وضعیت خدمات و زیرساخت‌های شهری این بافت‌ها به لحاظ برخورداری از خدمات، زیرساخت‌ها و فضاهای باز، سبز و عمودی دچار کمبودهای جدی هستند که مسلماً ادامهٔ این وضعیت باعث بروز ناهنجاری‌های بصری، اجتماعی و ... نیز می‌گردند و مکان‌هایی افسرده، مغشوش، ناامن و بدون مشارکت ساکنین به وجود می‌آورد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف سنجش تأثیر حکمروایی اجتماعات محلی بر پایداری شهری در ٤ محلهٔ ناکارآمد تبریز شامل چوخورلار، قازان داغی، ملاحسین‌باغی و شمس‌آباد طراحی گردید. بر این اساس، پرسشنامه‌ای شامل دو متغیر اصلی حکمروایی اجتماعات محلی با ٤ زیر شاخص(تعداد ۲۲ سؤال) و پایداری شهری با ٦ زیر مؤلفه (تعداد ۳۰ سؤال)، طراحی گردید و تعداد ۵۰۰ نمونه بر اساس نسبت جمعیتی این محلات (چوخورلار= ٤۰، قازان داغی= ٦۰ نمونه، ملاحسین باغی= ۲۰۵ و شمس‌آباد= ۱۹۵ نمونه) در آن‌ها توزیع گردید و نتایج به‌دست‌آمده ابتدا جهت انجام آزمون‌های توصیفی و استنباطی وارد نرم‌افزار SPSS 26 شد و پس از روشن شدن غیر نرمال بودن توزیع داده‌ها (بر مبنای آزمون اسمیرنوف- کولموگروف)، جهت تأثیر سنجی و مدل‌سازی معادلات ساختاری از نرم‌افزار Smart PLS 3 استفاده گردید. در این راستا، پس از ورود اطلاعات به نرم‌افزار پی ال اس، آزمون‌های روایی و پایایی واگرا و همگرا (AVE، CR و آزمون بار عرضی) برای سؤالات تحقیق، انجام شد، که بر این اساس، روایی و پایایی مؤلفه‌ها و سؤالات پژوهش

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

مورد تأیید با ضریب بسیار بالا و قابل‌قبول قرار گرفت. بر اساس این نتایج، در رابطه با مؤلفهٔ حکمروایی اجتماعات محلی، متغیر رهبری و مدیریت با ضریب۰/۷۳٤ از آزمون پایایی ترکیبی CR و ۰/۹۵۰ در آزمون روایی همگرا AVE دارای بیشترین روایی و پایایی گروه خود قرار گرفتند. همچنین در متغیر پایداری شهری، مسکن شهری با ضریب ۰/۹۳۷ پایایی ترکیبی و ۰/۷۸۹ روایی همگرا، دارای بیشترین روایی و پایایی شناسایی شدند. همچنین برای سؤالات پژوهش از آزمون بار عرضی استفاده گردید که نتایج حاکی از قابل‌قبول بودن روایی این سؤالات می‌باشد. برای آزمون روایی واگرایی پژوهش نیز از ضریب همبستگی استفاده گردید که همهٔ ضرایب با دارا بودن ضریب همبستگی بالای ۰/٤، نشان از روایی واگرای مؤلفه‌های پژوهش داشتند.در رابطه با مدل‌سازی معادلات ساختاری، مدل به‌دست‌آمده پس از مدل یابی چندباره و حذف سؤالات با ضریب عاملی پایین تشکیل گردید. در این رابطه سؤالات ۲ و ٤ از جامعهٔ پایدار، سؤال ۳ از حمل‌ونقل پایدار، سؤال ٤ از محیط پایدار و مسکن شهری در مؤلفهٔ اصلی پایداری شهری و سؤالات ۳ و ۵ از مؤلفهٔ مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی و سؤالات ۲ و ۵ از مؤلفهٔ مشارکت بخش خصوصی به دلیل پایین بودن ضریب بار عاملی (کمتر از ۰/٤) از فرآیند مدل‌سازی حذف شدند. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از تأثیر متوسط تا قوی مؤلفهٔ حکمروایی اجتماعات محلی با ضریب ۰/۵۸۹ است که نشان می‌دهد با تغییر یک واحد در مؤلفهٔ حکمروایی، تغییر قابل‌ملاحظه‌ای در متغیرهای پایداری شهری به وجود می‌آید.

درنهایت جهت سنجش حالت معناداری ضرایب از آزمون آمارهٔ (t) استفاده به عمل آمد که ضریب به‌دست‌آمده با مقدار ۱۳/۲۱۸ خارج از محدودهٔ ۱/۹٦+ و ۱/۹٦– قرار گرفت که نشان از معنی‌داری قاطع این رابطه و تأثیرگذاری است. نتایج به دست‌آمده از پژوهش حاضر را می‌توان با نتایج بدست‌آمده از تحقیقات داخلی(Safaeepor and Zarey (2017، Taghvaee and Safarabady (2011)، Moradimokrem and Heidarykia (2018)، Meshkini and Moazen (2015)و Mohammadi et al (2013) هم‌راستا دانست که مؤید تأثیر مثبت و معنادار حکمروایی اجتماعات محلی بر پایداری شهری می‌باشد. همچنین در رابطه با تحقیقات خارجی، نتایج این مطالعه با خروجی‌های بدست‌آمده از تحقیقات(Keiner (2004 ، Meyer & Auriacombe (2019)، Stojanović (2016)، Shamaei(2013)و Badach & Dymincka (2017) Davidson(2019) نیز همسو می‌باشد.تمامی این نتایج در پژوهش حاضر و تحقیقات ذکرشده، نقش مثبت حکمروایی اجتماعات محلی بر پایداری شهری را مورد تأیید قرار می‌دهند که با توجه به ابعاد و شاخص‌های پایداری که قبلاً نیز بحث گردید، اثرات و زمینه‌های دخالت مؤثر مدیریت شهری با اعمال شیوه حکمروایی خوب شهری با اقداماتی مانند تهیه زیرساخت‌ها و امکانات شهری، نظارت برساخت وسازها، جلوگیری از بورس‌بازی و زمین‌خواری در این محلات، تهیه اطلاعات کافی از مناطق خطرپذیر تلاش برای بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده و محلات موردمطالعه برنامه‌های آگاهی بخشی به شهروندان، در نظر گرفتن بودجه لازم برای کاهش آسیب‌ها، ایجاد مکان‌های مدیریت بحران، محدود کردن گسترش شهر، افزایش سرانه سبز، تلاش برای

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

کاهش آلودگی بصری و برگزاری جلسات هماهنگی و همکاری برای ارائه برنامه‌های مشترک در زمینه بهسازی بافت‌های موردمطالعه و توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی محلات، ارائه اطلاعات و شفاف‌سازی طرح‌های سکونتگاه‌های غیررسمی و بافته‌ای فرسوده به این ساکنان، ارزیابی وضعیت آسیب‌پذیری و تاب‌آوری و پایداری در شهر، برگزاری جلسات هفتگی با شهروندان بخصوص افراد آسیب‌پذیر و ساکن در بافتهای ناکارآمد، افزایش خدمات بخصوص فضای سبز در مناطق و محلات با تأکید بر شاخص عدالت محوری، افزایش فرصت‌ها و زمینه‌های آموزش شهروندان بخصوص در زمینه مخاطرات و ...را بیش‌ازپیش روشن می‌کند. این اقدامات بدون وجود یک مدیریت کارا و اثربخش امکان‌پذیر نیست. بر این اساس، پیشنهادات پژوهش حاضر به شرح زیر است:

- حکمروایی اجتماعات محلی باید باملاحظهٔ توأمان عواملی نظیر پایداری شهری و تاب‌آوری شهری انجام پذیرد
- حکمروایی اجتماعات شهری باید تأثیرگذاری بسیاری بر پایداری محلات ناکارآمد داشته باشد.
- عوامل محیطی در مباحث پایداری و تاب‌آوری باید به‌صورت ویژه مطرح شوند.
- دسترسی به مسکن پایدار باید در اولویت عملکردی سازمان‌های شهری برای محلات ناکارآمد باشند.
- مشارکت محلی باید به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین چارچوب‌های حکمروایی خوب اجتماعات شهری قرار گیرد.
- بخش خصوصی، باید به‌عنوان پل ارتباطی بین مسئولان شهری و مردم محلی موردتوجه قرار گیرد.
- حکمروایی خوب اجتماعات محلی، باید شفافیت، مدیریت درست منابع و پاسخگویی را سرلوحهٔ خود قرار دهد.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

References

- Ali-Toudert, F., Ji, L., Fährmann, L., & Czempik, S. (2020). "Comprehensive assessment method for sustainable urban development (CAMSUD)-a new multi-criteria system for planning, evaluation and decision-making". ***Progress in Planning***, 140, 100430. doi.org/10.1016/j.progress.
- Alizadeh, H. (2013),."An analysis of the sustainability components of urban transportation in developing countries. A case study of Iran-Ahvaz". Master Thesis, Chamran Martyr of Ahwaz university. [In Persian].
- Abdolahi, V., Beygbabaye, B., &Ezat panah,G. (2021). "Recognition of regenerative capabilities in dysfunctional tissues (Case study: District 4 of Tabriz metropolitan municipality)**".*Qourterly Geography (Regional Planning***,10, 137-151**.** [In Persian].
- Badach, J., & Dymnicka, M. (2017). "Concept of 'Good Urban Governance'and Its Application in Sustainable Urban Planning". In IOP conference Series: Materials Science and Engineering (Vol. 245, No. 8, p. 082017). London:IOP Pub. doi.org/10.1088/1757-899x/245/8/082017.
- Benna, U. G., &Garba, S. B. (2016). "***Population growth and rapid urbanization in the developing world***", New York :IGI Global. Information science reference press.
- Babakhani, M. (2009). "Explaining the relationship between residents' satisfaction with the modernization measures of the city of Tehran between1388-1992 (Moghadam, Hashemi and Takhti areas)".***Journal of City Identity***, 12(4), 61-76. [In Persian].
- Barkpour, N.,& Asadi, I. (2010)**." *Urban management and governance* "**. Tehran: Tehran University of Arts Pub**.** [In Persian].
- Biswas, R., Jana, A., Arya, K., & Ramamritham, K. (2019)."A good-governance framework for urban management".***Journal of Urban Management***, 8(2), 225-236.
- Davidson, K., Coenen, L., Acuto, M., & Gleeson, B. (2019)." Reconfiguring urban governance in an age of rising city networks: A research agenda".***Urban Studies***, 56(16), 3540-3555.
- Deng, Y., Qi, W., Fu, B., & Wang, K.(2020)." Geographical transformations of urban sprawl: Exploring the spatial heterogeneity across cities in China 1992–2015".***Cities***, 105, 102-115. doi.org/10.1016/j.cities.2019.102415.
- Ebrahimzadeh, J.E.,& Asadian, M. (2013)." Analysis and evaluation of the feasibility of good urban governance in Iran, case study: Kashmar city ". ***Journal of Geography and urban-regional planning,*** 6,17-29. [In Persian].
- Evans, G. (2020). "Measure for measure: Evaluating the evidence of culture's contribution to regeneration" . ***Culture-led urban regeneration***,28,116-140.
- Fathzade, H.,& Zahed zahedani, S. (2015). "Strategic planning, in order to empowering marginalized neighborhoods (Marginal neighborhoods of Silab, Ahmedabad and Yanouq Dareh Si Tabriz)**". *Journal of Contemporary Sociological Researches***, 6, 61-88. [In Persian].
- Garakhlo, M., &Miry M. (2009)." Social empowerment a solution to marginalization". ***Journal of Social Science Quarterly***, 3, 111-126. [In Persian].
- Hataminejad, H.,& Sharifi, A. (2015)." Investigating the role of urban tourism development on sustainable urban development (Case example: Sanandaj city)". ***Journal of Urban tourism,*** 1, 61-74. [In Persian].
- Holmer, R. J., & Drescher, A. W. (2006)." Empowering urban poor communities through integrated vegetable production in allotment gardens: the case of Cagayan de Oro city, Philippines. In Proceedings of the FFTC-PCARRD International workshop on urban/peri-urban agriculture in the Asian and Pacific region". ***Tagaytay City, Philippines*** ,4, 22-26.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

- Ilcan, S., & Lacey, A. (2011). "***Governing the poor: Exercises of poverty reduction, practices of global aid"***. MQUP: McGill-Queen's Pub**.**
- Léautier, F. (2005). "***Governance and the city: An empirical exploration into global determinants of urban performance*** ",(Vol. 3712).New Yurk: World Bank Pub.
- Keiner, M. (2004). "Sustainable development and urban management in developing countries: the case of Africa". **In the real and virtual worlds of spatial planning**. Berlin: Heidelberg Pub.Pp 43-59. DOI:10.1007/978-3-662-10398-2_4 In book
- Lacey, A., & Ilcan, S. (2015). " Tourism for development and the new global aid regime". ***Global Social Policy***, 15(1), 40-60. doi.org/10.1177/1468018114523633.
- Maoh, H., & Kanaroglou, P. (2009). "A tool for evaluating urban sustainability via integrated transportation and land use simulation models". ***Environnement Urbain***, 3, 28-46.
- Malaque ,I., Bartsch, K., & Scriver, P. (2018). " Thriving in the slums: progressive development and empowerment of the urban poor to achieve secure tenure in the Philippines" . ***Architectural Science Review***, 61(5), 313-318.
- Satterthwaite, D., & Mitlin, D.(2013). "***Empowering Squatter Citizen: Local Government, Civil Society and Urban Poverty Reduction***".London: Routledge Pub**.**
- MESHKINI, A., Sajjadi, J., Dindoust, J.,& Tafakori, B.(2011). "Participation effectiveness on enabling problematic urban settlements (Case Study: neighborhood of Banbarz, Ilam)". ***Journal of Studies of Human settlement planning***, 46,147-161. [In Persian].
- Meshkini, A.,&Moazzen,I. (2015). "Analysis of optimal urban governance in the sustainability of cities, Shir, a case study: the city of Ajab Shir". ***quarterly Journal of Environmental Based Territorial Planning***, 29,99-132. [In Persian].
- Mohammadi, J., Zarrabi, A., Alizadehasl, J.,& Samsam Shariat, J. (2013). " An analysis on measuring information and communication technology and its role in realizing social participation and empowering urban management: a case study of district 6 of Isfahan city". ***Journal of Urban Management***, 31,223-239. [In Persian].
- Meyer ,N ., &Auriacombe,ch.(2019). " Good urban governance and city resilience:
- An afrocentric approach to sustainable development".***Journal of Sustainability***, 19,55-64. DOI:10.3390/su11195514 .
- Meshkiny, A., &Tardast, Z. (2019)." The effectiveness of participation in empowering problematic urban settlements (Case study: Banborz neighborhood of Ilam)". ***Quarterly Scientific Research Journal of Human Settlements Planning Studies***,1,147-160. [In Persian].
- Meshkiny, A., Sajjadi, J., Dean Dost.,& Tafakory, A.(2011). "Organization of informal settlements with empowerment method (Case example of Baqershahr - Babajafari neighborhood)". ***Journal of Geographical Research Quarterly***, 3,123-148. [In Persian].
- Moradimokrem, S.,& Heidari kia, M. (2018). "Urban Management anysis and its role in sustainabal urban development case study of Asadabad ". ***Journal of Geography and Human Relationships***, 1,98-115. [In Persian].
- OECD, (2012)." ***Poverty reduction and pro-poor growth the role of empowerment: The Role of empowerment"*** . New York :OECD pub.
- Piry, I., &Rezaian, M. (1993)." The feasibility of empowering informal settlements based on Property policies are the basis for the development of local communities". ***Urban Studies Quarterly***, 10, 63-72. [In Persian].
- Rafiean, M., Hesamian, F., &Hadadian Yazdy, K. (2009). "Providing a model for land development in inefficient urban contexts; Research case: Yaftabad region, District 17 of Tehran municipality". ***Journal of architecture and urban planning***, 53,227-248. [In Persian].

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

- Rahnema, M. R., Mafi, I.,& Asadi, R. (2010)." Analysis of the position of good urban governance in Mashhad with the SWOT model". ***Journal of geography and regional development***, 15,197-211. [In Persian].
- Safaipour, M.,& Zareey, J. (2017). " Neighborhood-oriented planning and sustainable regeneration of dilapidated urban tissues with emphasis on social capital (case example: Golan neighborhood of Hamadan city)". ***Geographical space***, 23,135-149. [In Persian].
- Shamaei, A., Aghaei, P., &Heidari, S. (2013). "Analysis of citizen participation in community management Case Study: Jamaran Neighborhood". ***Journal of Urban management studies,*** 4,27-35. [In Persian].
- Shamaei, A., Adinehvand, A.A.,& Hajizadeh, M. (2012). "Assessment of municipality function base on the urban good governance". ***Journal of Urban Management Study***, 4,1-20. [In Persian].
- Stojanović, I., Ateljevic, J., &Stević, S. (2016)." Good Governance as a Tool of Sustainable Development".***European Journal of Sustainable Development,*** 5(4),558-573. DOI:10.14207/ejsd.2016.v5n4p558.
- Sarvar, R.(2014). "Introducing a comprehensive process for selecting neighborhoods as a priority for organizing and empowering informal settlements Case example: Kavus Dome city". ***Journal of Urban Management,*** 34,59-76. [In Persian].
- Safarabadi,A.,Mobedfar,S.,Varesi,H.R., &Belaghi,R . (2016) . "Approaches to empowering marginal urban areas case study: Unofficial settlement of Hasanabad, Yazd". ***Journal of Geography and Regional Urban land Use***, 19, 217-230.[In Persian].
- Safaeepour, M., &Zarei, J. (2017). "Community -based planning and urban renewal, sustainable worn tissue with an emphasis on social capital Case Study: Jollan neighborhood of Hamad".***Geographical Planning of Space Quarterly of Journal***, 23,135-150.
- Sohaili Vand, L.,& Hatami Golzari, E. (2020). " An analysis of urban housing indicators with a social justice approach, a case study: the ten districts of Shiraz metropolis".***Journal of Geographical Space***, 71,1-23.
- Shomali, M., Haji Alizadeh, J., Hamidzadeh Khayavi, S., &Nazmfar, H.(2022). "Assessing the appropriateness of the development of Tabriz metropolis with the approach of urban livability".***Journal of Geographical Space***, 79,157-183.
- Taghvaee, M., &Safarabadi, A. (2011). "The role of urban management in achieving sustainable development of urban tourism (case study - Kermanshah city)". ***Journal of Geographical studies of dry areas,*** 4,35-52. [In persion].
- Tagvaee, M., Hoseinykhah, H., &Alizadeasl, J. (2015). " Urban development strategy with emphasis on empowering urban areas Case study: Akbarabad neighborhood of Yazd". ***Journal of Geographical Planning of Space,*** 15,129-148. [In Persian].

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

Investigating the effect of governance of local communities on the sustainability of inefficient urban structures (case study: Chokhorlar, Kazandaghi, Molhasin Baghi and Shamsabad neighborhoods in Tabriz city)

Farzaneh Yazdankhah[8]
*Hasan Ahmadzadeh[9]
Bashir Beigbabaee[10]
Ali Panahi[11]

Abstract

Assigning important roles to the citizen society in inefficient contexts is a phenomenon of good governance in the form of people-centered communities which can be a capacity to create partnership, social capital and trust and social cohesion In order to achieve urban sustainability in these residential areas and its resilience from the perspective of urban hazards with flexibility. The main purpose of this research is to investigate the influence of local community governance on the sustainability of inefficient urban structures. For this purpose, four inefficient and dilapidated neighborhoods named Chokhorlar, Kazandaghi, Molhasin Baghi and Shamsabad in Tabriz city were selected as study pilots. The current research is based on the objective of the applied type and in terms of the method of data collection is of the descriptive-correlation type. In this regard, firstly, the indicators of the two schools of governance of local communities and urban sustainability were extracted from previous sources and literature and then exchanged. According to the relevant experts, two questionnaires were designed in relation to the two mentioned concepts And 125 questionnaires were considered for each of the selected localities Cronbach's alpha was used for content validity and reliability of this research, and then the obtained results were integrated and the final model of the research was obtained. In this research, to achieve the objectives of the study, two software SPSS (to provide descriptive information and test the normality of data) and Smart PLS (to build a structural equation model and measure the influence of variables) were used. In this regard, the internal and external coefficients of the used variables were calculated and analyzed in addition to measuring the direction and impact of these variables, and finally, the obtained outputs were matched in line with the research hypotheses. In the first part, the quality analysis of reflective measurement models was examined. In the second part, the quality of the structural model and finally the overall model fit (GOF) were analyzed. The results obtained from the research show the positive, strong and significant influence of the variable of governance of local communities on the sustainability of worn-out structures, which emphasizes the need to use such an idea in the planning and management of these structures. makes it clear. Based on the results of the research in the group of governance variables of local communities, the leadership and management variable has the lowest coefficient with a coefficient of 2.25, which indicates the lack of transparency in urban organizations, along with the lack of sufficient expertise of managers in optimal planning for local communities. And the lack of reliance on bottom-up planning can be mentioned as one of the major shortcomings of the regions investigated in this research. Also, the highest coefficient assigned to governance variables is

[8] Graduated in Geography and urban planning , Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz- Iran.
[9] Department of Geography, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz- Iran (corresponding author)*. hahmadzadehgis@gmail.com
[10] Department of Geography, Malekan Branch, Islamic Azad University, Malekan- Iran.
[11] Department of Geography, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz- Iran.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

related to public participation with a significant coefficient of 3.54, which shows the high demand of people in public participation to raise the level of development of the mentioned areas. Considering the results obtained from the factors of governing local communities in the ineffective neighborhoods of Tabriz metropolis, in all neighborhoods, the interest and sense of participation of the civil society in organizing the neighborhood fabric had the highest average among the factors, according to which, the variable Civil society (citizen participation) with a theoretical average of 2.64 has a higher value than the variables of private sector participation (2.36), responsibility and accountability (2.50) and leadership and management (2.24). Also, the variable of accountability and responsibility related to the institutional dimension was ranked second. The results obtained from the analysis of the output of the questionnaires used in the research indicate the existence of problems and dissatisfactions in the studied localities. The theoretical average of less than 3 for all neighborhoods for about 90% of average variables confirms the above claim. that the average of the variables used, including the concepts of sustainability, resilience, governance in these communities, is weak and shows the lack of subjective satisfaction of the citizens of the studied neighborhoods.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]